

ارتجاع در سراسر ایران به ویژه در کردستان دست به جنایات هولناک می زند است که اکثریت مردم مازان بی خبرند .
ارتجاع آزادی بیان و مطبوعات را زسان برداشت تا مردم از حقایق باخبر نشوند .
در این شرایط وظیفه مردم همه ما است به هر وسیله ای که می شود حقایق را به گوش مردم برسانیم .



انتقام جویی ارتجاع در کشتار دسته جمعی زنان و کودکان بی دفاع روستای قارنا «دیواسین» آفریده است .

۶۸ تن اهالی روستای قارنا را از کودک و پیر و جوان قتل عام کردند

- جنایات مرتجعین سرکوبگر در کردستان در تاریخ بی سابقه است.
 - خلخال بی نام حاکم شرع، نوجوان چهارده ساله ای را که بصورتش نف انداخته بود اعدام کرد.
 - سرکوبگران به زنان و دختران خلق کرد تجاوز می کنند چرا که به آنها گفته شده است طبق شرع اسلام زنان «اسیران حربی» به آنها تعلق دارد .
- شرح در صفحه ۷



دلاورانه مردن و تحقیر جلادان کار توست . تو همیشه زنده ای ، اما در خیماتی که امروز به قلب تو نشانه رفته اند ، در دل تاریخ گور خود را می کنی . آنها هم اکنون مردمانند . صحنه ای از فجایع ارتجاع در سقز - اینجادر کنار مبارزانی که تیرباران می شود ، تیرباران شده های قبلی به خون غلطید مانند .

درگذشت مجاهد بزرگ آیت الله طالقانی

موجی از تاثر و اندوه را بین توده های مردم برانگیخت

درگذشت تاسف بار مجاهد بزرگ آیت الله طالقانی ، مبارز خستگی ناپذیر و روشن بین ، موجی از تاثر و افسوس را در بین توده های مردم برانگیخته است . آیت الله طالقانی چهره ای بود که بیش از ۴۰ سال مبارزه ای بی گفیر با رژیم دیکتاتوری پهلوی و امپریالیست های غارتگر را پشت سر داشت و همین مبارزات بود که از او چهره ای ملی و مردمی ساخته بود . آیت الله طالقانی سالها سال مبلغ و مروج آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک خلقها بود و در این راه بارها تیر بند و تبعید را به جان خرید و در طی سالها عمر خود اعتقاد خود را به این اصول در عمل به اثبات رسانید . آیت الله طالقانی پس از سرنگونی رژیم شاه نیز بر چنین مواضعی تأکید فراوان داشت . ولی با این همه او تحت

تاثر از تار مرتجعین قشری و بورژوازی به دستاوردهای قیام قرار گرفت و در برابر محیط ترور و آزارهای گفمین مرتجعین برای سرکوب نهضت خلق گردید . پس آورده بودند ، تسلیم شد و از مواضع دموکراتیک و مردمی خویش به وضوح عقب نشست و بدین ترتیب با نطق عهد فطر و حمله به نیروهای ترقیخواه توانمند سیاست ارتجاع حاکم در قشون کشی به کردستان و سرکوب خونین مبارزات حق طلبانه آنان ، خط پوی که سالها بین ایشان و مرتجعین انحصار طلب قشری وجود داشت ، زائل شد . آیت الله طالقانی که خود به خوبی دریافته بود که چگونه این عمل آن هویت مردمی و روشن بین را خدشه دار ساخته است در آخرین روزهای خود تا حد

بقیه در صفحه ۲

سر مقاله

بیدادگاههای شرع هرگز نمی توانند مبارزات آزادیخواهانه مردم را متوقف کنند

هیئت حاکمه کنونی هرروز حمله تازه ای به دستاوردهای انقلاب خلقهای ایران می کند . لحظه به لحظه ماهیت خود را آشکارتر می کند و هرروز توده های وسیعتری از مردم آزادیخواه و مبارزان را در برابر خود قرار می دهد . هیئت حاکمه کنونی سرکوب خلقها ، حمله به آزادی ها ، حمله به نیروهای انقلابی ، حمله به مطبوعات ، روشنفکران و غیره را برای خود موفقیت می داند . قهقهه پیروزی سر می دهد . اما این قهقهه های پیروزی که بر بهار آزادی میهن مانقظه پایان می گذارد ، خود سرازاز شکست تاریخی مرتجعین و حاکمان کنونی است . شکستی چنان عمیق که ارتجاع برای همیشه از صحنه زندگی خلقهای قهرمان ما رخت بر بسته و لجن پیزی تا بد بر لبان زنان و مردان میهن مانقش بندد . این راز تاریخ با صدای بلند به ما بشارت می دهد .

آنهاست که امروز از تیرباران و ترور فرزندان راستین خلق در کردستان

بقیه در صفحه ۲

۱۷ شهریور

روز قهرمانی های خلق گرامی باد

در صفحه ۸

بمناسبت سالگرد حماسه تل زعتر یاد شهدای تل زعتر گرامی باد

قسمت دوم

بیت و یکپرده نامه مصادف بود با سالگرد سلطه تل زعتر . نبرد تل زعتر نمونه باری است از دلوریهای حماسه آفرین خلق فلسطین و نیز سونه ای است از جانبها و وحشیگریهای امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع عرب . نبرد تل زعتر برگ سرخ دیگری است در تاریخ افتخار آمیز نیروهای انقلابی عرب و داغ ننگ دیگری است بر پیشانی ارتجاع عرب ، اربیب گروه امل که اینک نیز عوامل آن مثل مصطفی چمران در میهن ما به اعمال خود ادامه می دهند .

زنان و مردان پیر و جوانی که از تل زعتر دفاع کردند با وجود همه وحشیگریهای دشمن و با وجود گرسنگی و تشنگی طاقتورانه ، بجای و دو روز قهرمانانه با پای جان بنبرد ادامه دادند . بجهاد و دوروزی که هر لحظه آن چهره ارتجاع عرب و نقش آن را به تودمهای عرب بهتر نشاناند و در آگاهی خلق عرب نقش چشمگیر بازی کرده با همه عهدهای تل زعتر و همه شهدای خلق فلسطین گرامی باد .

در صفحه ۴

چه کسانی را مامور سرکوب خلق کرد کرده اند ؟

جرمهای دشمنان قسم خورده خلق هستند که قادر به انجام این اعمال می باشند . واقعا باید سببم انتقام جوئی و کشتار وحشیانه ۶۸ نفر از زنان و کودکان بی دفاع روستای قارنا ، اعدام دسته دسته نیروهای مبارز و انقلابی ، ایجاد رعب و وحشت با هواپیماهای فانتوم و در هم

چهره های ضد خلقی فرماندهان سرکوب خلق کرده آنها و گذار شده است بر هیچکس پوشیده نیست . چرا که نمونه های فجایع و میزان جنایاتی که هم به دست ارتش وهم به دست نیروهای پاسدار در منطقه کردستان صورت گرفته است که تنها حنا پیکاران

انقلاب برای چه بود ؟

در برنامه های چند شب پیمایش تلویزیون صحبت شد از اینکه هدف از انقلاب چه بود و مردم برای چه جوانهای خود را جلوی گلوله فرستادند ؟ در این برنامه تلویزیونی گفته شد که ما برای این انقلاب نکرده ایم که مثلا خربزه ارزان بشود ، یا خانه ارزان بشود . گفته

بقیه در صفحه ۲

سانسور نطق بازرگان نا آگاهترین افراد را نیز از وجود سانسور و اختناق آگاه کرد

سانسور نطق بازرگان و نحوه پخش آن از رادیو تلویزیون بیش از پیش مردم را به حقیقت تلخ وجود سانسور در رادیو تلویزیون آگاه ساخت . این سانسور آنچنان امتحاحی به بار آورد که دارو دسته قطب زاده در پی اطلاعیه ای اعلام کردند که مسئولین رادیو تلویزیون هیچگونه دخالتی در سانسور نطق

بقیه در صفحه ۲

بساداران پاسدار

هیچ می دانید چرا شما را به کردستان می فرستند ؟

با وجود همه تبلیغات و همه عوامه بی بی های که مرا ماندا اعتماد : سرکوب خا - ق کرد را منطقی جلوه دهند ، وقایع عربیان تر از آن بود که شما را به ستم تودمها دورنگه داشت و حقیقت را او رونه نشان داد .

مسئله به قدری آشکار بود که عده ای از پاسداران اعزامی به کردستان تحت تاثیر همین تبلیغات بودند . پس ارمانده واقعات دریافتند که "ضد انقلابیون" "خائن" و "غتشا سگران" همه دشمنان ساء کی مردم هستند که اصلا وجود خارجی ندارند ، بلکه در حقیقت همگی خلق کرده هستند که به خاطر راستادگی برای کسب حقوق حقه خود سرکوب می شوند .

نمونه های زیادی دیده شده است که عده ای از پاسداران وقتی می دیدند که به جای بالیزبانها ، جاف ها و دیگر عناصر سر سپرده رژیم سابق باستانی فلسطین و کودکان و جوانان کرد در انشانه بگیرند ، به کریم می افزادند ، اسلحه خود را به زمین می گذاشتند و به شهرهای خود بازمی گشتند . آنها سرشان می شد از این که خنق کرد آنها را به چشم همان ماموران ساوات و نیروهای سرکوبگر آر با مهربی می نگرینند . بعضی مناسبت مانقا : "سرا خطا" به پاسداران به چاپ رسانده ایم .

بقیه در صفحه ۷

سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند

بقیه از صفحه ۱

سانسور نطق ...

بازرگان ندارند، بلکه این سانسور به دست مقامات دولتی صورت گرفته است. گذشته از همه عوارضی های رادیو-تلویزیون، حقیقت این است که سانسور نطق بازرگان بازنای تضادهای درون هیئت حاکمه ای است که هر چند اختلاف اساسی با یکدیگر ندارند، اما در اعمال سیاست های خود با یکدیگر اختلافاتی دارند و هر جناحی تلاش می کند که بیش از پیش قدرت سیاسی را در دست خود متمرکز سازد و سیاستهای خود را بیش برود. در اینجا است که گساره خود را به صورت متمرکز سازد و سیاستهای نحوه عملکرد این تضادهای گونه ای است که مردم را تا حدی از چگونگی وقایعی که در میهن مای گذرد، آگاهی می سازد. اگر نطق بازرگان سانسور شد، به این علت بود که زمامداران کنونی انگلیسی-امپریالیست را در میان توده های مردم که تاحدی افشاکنده توطئه های هیئت حاکمه علیه خلق کردند، به صلحت خود ندانستند. اما مسئله ای که در اینجا مورد بحث است، این نیست که چرا نطق بازرگان سانسور شده است، زیرا که تمامی هیئت حاکمه در اساس سر و ته یک کرباسند، بلکه مسئله بر سر وجود سانسور و اختناق در رادیو-تلویزیون است. مسئله بر سر این است که هیئت حاکمه سلب آزادی مطبوعات و اختناق هولناک را وظیفه "مقدس" خود قرار داده است.

هیئت حاکمه برای سلب آزادی مطبوعات به هزاران دروغ متوسل می شود و موزورانه مطبوعات شرقی و انقلابی را که وظیفه خود را آگاه ساختن مردم از حقایق و اوضاع سیاسی است، سانسور می کند. اما آنگاه سانسور را به عنوان وسیله ای برای سانسور کردن نطق بازرگان نیز که نخست وزیر انتصابی آنها است، علیه جمهوری اسلامی توطئه کرده بود که نطق او سانسور شد؟ آیا اینکه سلب آزادی مطبوعات و سانسور و اختناق در رادیو-تلویزیون یکی از ارکان سیاستهای هیئت حاکمه کنونی است؟

بزرگ و انحصارات امپریالیستی است که میلیونها مردم زحمتکش سراسر جهان را زیر یوغ استثمار خود درآوردند. نه این فروشندگی و کسبه جز که با حاصل کار و زحمت خود روزی می گذرانند. آنسان روسپیان، این انسانهای تحقیر شده و سگونیخت و این قربانیان نظام جابرانه سرمایه داری را به عنوان مفید فی الارض اعلام می کنند. و با بوق و کرنا تبلیغ می کنند که دارند جلوی فساد را می گیرند. این سه روزان سادری می کنند هرگز می فهمند با می خواهند بفهمند که ریشه بیماریها در کجاست؟ و چرا آنان بدین راه کشیده شدند؟ هیچکس از مادر خویش روسپی و میخواره بعد دنیا نیامد است. این جامعه طبقاتی است که چنین می کند. و این تنها یکی از اوضاعهای این نظام است. تنها آنان کمی خواهند حق باقی را دست مالتی کنند تا بدین وسیله راهی برای ادامه نظام سرمایه داری پیدا کنند. مدعی می شوند که با این کارهای قرون وسطایی می شود جلوی فساد را گرفت و ما می گوئیم با این نوع وحشیگری ها فساد با زهم بیشتری از آن خواهد یافت. تنها کافی است ببینیم در همین مدت اعتیاد به تریاک و سایر مواد مخدر تا چه حد افزایش یافته است.

آیا منظور از این اقدامات و این حرفها فریب مردم نیست؟ آیا اینها توطئه ظریف رفتن از باسگوشی به مسائل سیاسی انقلاب نیست؟ چرا آنان از جوامع سوسیالیستی چیزی به توده های می گویند؟ آنان از "زیربنای اقتصادی الاغ" هم سخن می گویند ولی از زیر بنای انقلاب و برنامه و اهداف عالی و اساسی آن حتی یک کلمه هم نمی گویند. آنان که مدعی هستند مردم ایران خون دادمانند، که تخته شلاق و چوبها عذاب برآیند، به مبارزات قهرمانانه مردم و برنامه چه می گویند؟ آنها برای چه جوانان و زنان و مردان خود را جلوی گلوله فرستادند؟ ما نمی دانیم این آقایان حماسه نیکو است یا لیکر و آنچه جانبازی و فداکاری را چگونه توجیه می کنند و از قهرمانانهای خلق در انقلاب کبیر فرانسه با این همه جانبازیهای خلق فلسطین چه می گویند؟ آیا نمونه انقلاب و برنامه کافی نبود که نشان دهد چگونه با تغییر جامعه دیگر اثری از فحشا و فساد و انحطاط اخلاقی در جامعه و برنامه و اقدامات انقلاب بر جای نماند؟ این حال مورد تسمخر قرار گرفته است (است) انقلابی که با تغییر زیر بنای جامعه (که) این حال مورد تسمخر قرار گرفته است) انقلابی که با تغییر زیر بنای جامعه (که) توده ها و کوشش در راه بنای سوسیالیسم اخلاقی انسانی و عالیترین روحیه انقلابی را در میان مردم و برنامه و اقدامات تاریخ نابت گردانست که تنها و تنها با تغییر اساسی در زیر بنای جامعه و از بین بردن استثمار فراد از فرد است که روابط بین انسانها خصلت انسانی خود را باز خواهد یافت و بیماریها و عفونتهای مزمن جامعه طبقاتی برای همیشه از چهره جامعه زدوده خواهد شد.

درگردستان چه میگذرد

قل از خبرنامه کردستان

شهر قهرمان سقز پس از ۱۰ روز مقاومت در برابر ارتش و پاسداران سرانجام به وسیله نیروهای کمکی ارتش و پاسداران اشغال شد. بعد از آن موج دستگیری و وحشت سراسر شهر را فرا گرفت. ارتش و پاسداران هم محض ورود به شهر سقز دستگیری مردم را آغاز کردند. تعداد دستگیر شدگان سقز ۳۵۰ نفر و کشته شدگان بیش از ۲۰۰ نفر است. که بیشتر آنها زنان و کودکانی می باشند که بر اثر رگبار هلی کوپتر و خمپاره کشته شده اند. بعد از کشته شدن سرهنگ دوم فراتشایی فرمانده تیپ سقز به دست پاسداران، بین ارتش و مستقر در پاسداران سقز اختلاف افتاد و گروهی از ارتشیان حاضر به درگیر شدن با مردم و شرکت در این جنگ برادر کشی شدند. گروهی از ارتشیان و پاسداران همچنان بر کشتار مردم اصرار می ورزند. چگونگی کشته شدن

بقیه از صفحه ۷

انقلاب برای چه ...

بقیه از صفحه ۱

شما برای اقتصاد انقلاب نگریم و اصلا زیر بنای جامعه اقتصادی نیست. اما امروز دیگر حتی برای کسانی که درک محدودی هم از مسائل اجتماعی و سیاسی داشته باشند روشن است که در طول تاریخ هر انقلاب پیروزمند اجتماعی که توسط توده ها صورت گرفته است اساسی اقتصاد جامعه را دگرگون ساخته است و در عصر ماکدانقلاب اجتماعی لزوماً باید به دست طبقه کارگر انجام شود. اقتصاد سرمایه داری را دگرگون می کند و تنها با استثمار فرد از فرد را از بین می برد. توده مردم از میان رهنمایان قهرآمیز و بی امان طی یک جنگ مسلحانه حکومتی ستمگر و طبقاتی را سرنگون می کنند تا جامعه نوین عاری از فقر و فلاکت و جهل و بیماری را بنیان نهند. به اعتقاد ما نیز انقلاب برای از بین بردن خیزه نیست. نه تنها برای از بین بردن خیزه نیست، بلکه برای شلوق زدن گروهای و سوزانیدن کتابها و تیرباران و شمشیر زدن و سوزانیدن سرمایه داری هم نیست. انقلاب نه تنها برای از بین بردن خیزه نیست بلکه برای صدور حکم قتل عام مردم در دستاورد و برای انداختن دادگاههای صحرایی و اعدام بزرگ و دیپلوماسی و روشنفکر کرد هم نیست. انقلاب نه تنها برای از بین بردن خیزه نیست، بلکه برای بازگرداندن قوای الهی و فراخواندن سرمایه داران فراری و سپردن مجدد زمینها و کارخانه ها به آنان هم نیست. مردم امروز می گویند، ما انقلاب کرده ایم که دوباره همه کارخانه ها را به دست یک مشت سرمایه دار مفتخور بسپاریم که شیره جانمان را بکشد.

حال آنکه زمامداری که حاکمیت را نبض کرده اند همان نظام طبقاتی را حفظ کرده اند و این حرفها که می زنند، می خواهند فکر مردم را از مسائل اساسی منحرف کنند و بطور و نامود کنند که این همه تحمل حبس و شکنجه و اعدام، این همه مبارزات خونین حق طلبان و این همه قیام های پرشکوهِ ۱۷ شهریور ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۴ و ۲۲۰۲ بهمن مافوق برای این بوده است که موسیقی گوش کنند، باز نماند و زش نکنند و فیلم سینمایی تعطیل شود و از این قبیل چیزها. بادشمنی با هنر، با ادبها با موسیقی و با فیلم نیست که دردهای اجتماعی را معالجه می شود. ادبها و موسیقی و فیلم و غیره را باید در خدمت درمان دردهای اجتماعی و در جامعه ما در خدمت انقلاب اجتماعی درآورد. نه آنکه هم این دستاوردهای حیات بشری را لگد مال کرد و یک زندگی سوت و کور و غم انگیز و ماتم زده را به مردم تحمیل کرد.

قشریون حاکم، کسبه و فروشندگان خرده به لایه عنوان گران فروشان ضد انقلاب به تخته شلاق می بندند و همه را چون دژخیمان قرون وسطایی شکنجه می کنند. آنان از این طریق می خواهند مردم نفهمند علت گرانی روز افزون ما چیست و چرا سودجویی سیری ناپذیر سرمایه داران

درگذشت مجاهد بزرگ ...

بقیه از صفحه ۱

چهره هائی چون آیت اله طالقانی که در مبارزه ضد امپریالیسم - ضد دیکتاتوری و رهایی بخش خلق سهم داشتند برای جبهه نیروهای ترقی خواه و انقلابی سنگین تر و از همین رو با تاسفی ژرفتر همراه است. ما با تاکید روی مبارزات بی گیسر و طولانی ایشان در برابر رژیم منفره پهلوی و امپریالیسم و با تاکید روی سهم ارزنده ای که در راه ارشاد عناصر ناآگاه و مقابله با قشریت و تعصب کور داشته اند، و با تاکید روی اهمیتی که برای نقش مردم در اداره جامعه و احترامی که برای آزادی عقیده و بیان قائل بودند، درگذشت ایشان را به همه هم میهنان و مردم مبارز تسلیت می گوئیم.

زیادی به جبران محتوای نطق قبلی خود پرداخت و کوشید از نو وجه تمایز خود را با مرتجعین قشری شخص سازد و مسلم اینکه برای شخصیتی چون آیت اله طالقانی که سالها چهره دیگری از خود نشان داده بود، فشارها و شکنجه های درونی و بیرونی و بخصوص تحریکات مرتجعین تکیه زده بر اینکه قسدرت و در مجلس به اصطلاح خبرگان و نمایانان که از خود آنان مرتجعتر و قشری ترند به سادگی قابل تحمل نبود و بی شک در واقعه تاسف بار درگذشت ناگهانی ایشان نیز بی تاثیر نبوده است. در هر حال تاریخ همواره از اعمال مردمی و شخصیت این روحانی مبارز و احترام و بهمنیگی یاد خواهد کرد. فقدان

بیدارگاه های شرع هرگز نمی توانند ...

بقیه از صفحه ۱

خوزستان، کرمان، مازندران و غیره سر مست هستند، عقب مانده تروکودن تراز آن هستند که عواقب شوم جنایت های هولناک خود را در کف کنند، آنها کودن تراز آنند که مفهوم حرکت تاریخ را فهمیده باشند.

آنها که به پیشوایان گذشته فرزندان را سنین میهن ما را "خوابکار" و "ضدانقلابی" می خوانند و با ترویج و اعدام آنها مدیونان می گویند شوراهای آزادی خواهی و میهن پرستی و عشق به خلق را در دل پشاهانک جنبش انقلابی ایران خاموش کنند و با رعب مردم آنان را از ادامه مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستیان باز دارند. غافل از آنکه اعدام و ترویر انقلابیون نه تنها هرگز نخواهد توانست شعله های حیات بخش عشق به خلق را در فرزندان انقلابی میهن خاموش کند، بلکه این شعله ها را زنده نگه دارد. با خون خود و با نثار زندگی خود سالها است مشعل نگاه داشته اند. آنان که امروز در برابر جوشهای اعدام جلادان تراز می گیرند سالها درازی است که راه پرافتخار خود را انتخاب کرده اند. ترویر و اعدام هر کدام از انقلابیون چهره زشت و گریه ارتجاع را بیشتر بر ملا خواهد ساخت و بذر آگاهی و مبارزه را بیشتر در میهن ما خواهد افشاند.

مرتجعین حاکم کنونی، سرکوب مردم کردستان، ترویر مبارزان، اعدام نیروهای انقلابی و شکنستن قلم و بستن دفاتر نیروهای انقلابی را برای خود موقیبت می دانند. اما ناگاهترین مردم نیز به زودی خواهند فهمید که همه اینها نشانه ورنسکتی سیاسی و ایدئولوژیک مرتجعین حاکم است. آنکه صاحب عقیده و اندیشه ترقی خواهانه است، آنکه دیرینه خلق گام بر می دارد، آنکه عقاید ایدئولوژی خود را بر حق می داند و می تواند در میدان مبارزات عقیده پیروز شود، هرگز از آزادی اندیشه و آزادی فعالیتهای سیاسی نمی هراسد. بلکه برای گسترش عقاید خویش طرفدار آزادی است. فقط مرتجعین و آنانکه می خواهند بر خلاف مسیر تاریخ حرکت کنند، آنانکه عقاید بوج و ارتجاعی شان در محیط آزادی میبرد، طرفدار سرکوب آزادی ها و اعدام نیروهای انقلابی هستند. هنوز فریاد رسا، دلاوری و شجاعت بر حق شهدا، گسرخسی و دانتیان که در اوج عقان و قدرت شاه در بیداد گار رژیم شاه نوید سرنگونی رژیم را سردادند، در گوش های مردم ستم دیده مای پیچید. مرتجعین حاکم به خاطر ماهیتشان هرگز نمی توانند از تاریخ درس بگیرند. اما نیروهای انقلابی حرکت تاریخ راه چشم می بینند و با قبول شهادت به پیشوا از آن می روند.

مرتجعین یک روز با ناجوانمردی تمام، و دناد ایمانی فدائی خلق را در مازندران ترویر می کنند، یک روز دسته دسته انقلابیون را در کردستان به جوشه اعدام می سپارند و روز دیگر در کرمان جوانان را تنه به خاطر آنکه از ایدئولوژی خود در بیدادگاههای شرع دفاع کرده اند، تیرباران می کنند تا نیروهای مبارز و انقلابی ماکه یکی از مؤثرترین دیکتاتوری های تاریخ را در برابر مبارزات فدائگاران خود تحقیر کرده و واژگون ساختند، از ادامه مبارزات سیاسی بترسانند. لیکن همانگونه که کشتارهای وحشیانه امپریالیستها و مرتجعین در فلسطین و بیتام، جبهه خلق را نیرومند تر ساخت، همانگونه که بیدادگاهها و شکنجه گاههای آریامهری رزمندگان دلیر ایران و مردم مبارز ما را در برابر ستمگران و جباران متحد و یکپارچه ساخت بدون تردید بیدادگاهها و سرکوبهای وحشیانه امروز نیز برای ستمگران و مرتجعین عاقبتی جز شکست مفتضحانه و نابودی در بر نخواهد داشت.

خون آن جوان کرمانی که به خاطر دفاع از عقیده اش در بیدادگاه حاکم شرع تیرباران می شود، خون رزمنده ای که تنه به خاطر فعالیت سیاسی و دفاع از منافع خلق به بهرمانه ترین وجهی ترویر می شود، خون پزشکی که به خاطر خدمت به خلق اعدام می شود و خون آزادی خواهانی که در کردستان جاری شده است بزودی چنان سیل بنیان کنی پدید خواهند آورد که برای همیشه بساط امپریالیسم و ارتجاع همه استثمارگران و ستمگران را درهم خواهد پیچید. آینده پیروزمند، از آن خلقهای ایران است.

درا هتزاز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



نامه یکتا کارگران خراسان

درگذشته مجبور بودیم در سخت ترین شرایط
هفته جیر را تحمل کنیم اما حالا دیگر جیرا

در روزهای گذشته شاهدیم که در خراسان و در تمام نقاط آنجا که کارگران درگیر هستند، در شرایط بسیار دشواری قرار دارند. ما کارگران خراسان را با شما همکاران در تمام نقاط کشور و در تمام نقاط ایران و در تمام نقاط جهان پیوسته می‌دانیم. ما کارگران خراسان را با شما همکاران در تمام نقاط کشور و در تمام نقاط ایران و در تمام نقاط جهان پیوسته می‌دانیم. ما کارگران خراسان را با شما همکاران در تمام نقاط کشور و در تمام نقاط ایران و در تمام نقاط جهان پیوسته می‌دانیم.

کامتهای مدو خانه برای ایجاد تشکلات فرمایشی کارگری
جز وسوالی بیسر بلندی ندارد



این مسئله با سعادت از یک ارتش دانشجویان پیشگام کرج در باره معدن ذغال سنگ سفید (لوشان) تهیه شده است که گزارش از این جهت دارای اهمیت است که به زندگی و مبارزات کارگران معدن توجه دارد. زیرا این کارگران در سخت ترین شرایط روز زندگی می‌کنند و در این حال به علت پرت بودن محل کارشان، مبارزات و نتایج مبارزاتی آنان آنطور که باید در سطح جامعه منعکس نمی‌شود و به گوش دیگر کارگران و زحماتشان نمی‌رسد.

مختصری از شرایط عمومی کارگران معدن

حوزه استخراجی معادن ایران در سنگرو لوشان، بافق کرمان، زیرآب قائم شهر (شاهی) و غیره می‌باشد. به علت نزدیکی معادن به روستاها، کارگران معدن عموماً کشاورزان کم زمین بومی زمین و کارگران روستایی می‌باشند. کارگران معدن در سالهای ۴۶-۴۷ اکثر اوقاتی بودند که به صورت فمیلی روز مزد کاری کردند. بعد از ایجاد کارخانه ذوب آهن، چندین شرکت سهامی وابسته به شرکت سهامی خاص ذوب آهن اصفهان ایجاد شد. اغلب معادن که قبلاً توسط بخش خصوصی اداره می‌شدند در اختیار دولت قرار گرفتند. در سالهای ۴۶-۴۷ کارمندان گسترش یافت. طبیعی است که کارگران معدنی که در شهرها و مراکز تولیدی کاری می‌کنند به ندرت به کار توان فرمای معدن گران می‌دهند. بدین جهت اغلب کارگران معدن بومی هستند.

در عرض صبر انقلابی ما کارگران که کلبه‌هایم شده است حتی یکبار هم برای کارگران انقلابی عمل نکردیم و همه حرفها و کارها با ما بود. سرمایه داران مفتخور است.

امام را هم که خدا پدرش را با ما برد. در این چند ماه بعد از انقلاب حتی یکبار هم سری به کارخانه هانژونگ که بنیاد ما چه می‌کنیم. اطلاعات اینکه کارگران ما خبر ندارد. در سخنرانی آخر گفت که ما اعتصاب و محاصره گناه کبیره است. اگر ما بخاطر سیر کردن خانواده ما، به خاطر چند تومان اضافه حقوق برای فرزندانم چرخ زندگی که همیشه لنگ می‌گردد اگر ما به خاطر حقوق عقب افتاده دوره انقلاب محاصره کنیم گناه کبیره کرده ایم؟

اگر در انقلاب شرکت نمی‌کردیم شاید هرگز حقوقمان عقب نمی‌افتاد. و حالا مجبور بودیم برای گرفتن حقیقت گناه کبیره کنیم. آخر که خدا گناه کبیره را در قرآن شمرده آنگاه ای قرآن نوشته است: اعتصاب برای سیر کردن شکم چه پایمان گناه کبیره است؟ مگر ما هم چه می‌گوییم؟ توی قرآن نیست؟ امام این آخری حسابی گویند توی فرق سر کارگران. و دوست سرمایه داران خونخوار و بی‌گناه را برای استثمار هر چه بیشتر کارگران و زحمتکاران باز گذاشت.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

ما برگ جانگداز ۴ نفر از برادرانمان را در شرکت زمین نشانه بوسیدگی و فساد انسانی بودن سیستم سرمایه داری (که دولت هم دقیقاً نظام سرمایه داری است) زیرا کارگران ایران مثل کارگران تمام کشورهای سرمایه داری شدیداً استثمار می‌شوند.

نسبی بسیار پائین بود. آنگاه ترین کارگران هم شرایط پائین جامعه (انقلاب) و تحول سریع آن را درک نمی‌کردند.

همه اینها سبب شده بود که با وجود شرایط طاق فرمای کارگران معدن کارگران بعد از قیام آنگاه شروع به ایجاد تشکلات کارگری نکردند. اداره معدن به دست کمیته افتاد. در هفتاد و یک سال قیام برخی از کارگران به طور پراکنده شورای کارگران را مطرح کردند. ایجاد شوراهای کارگران زمین مناسب پیدا نکرد. سپس کارگران آگاه مسئله ایجاد سندیکا را در دستور کار قرار می‌دهند.

کارگران آگاه سعی می‌کنند در رابطه با وظایف سندیکا و اینکه چه عناصری نمایندگان واقعی کارگران هستند برای تمام کارگران صحبت کنند. آنها سعی کردند که آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران را بالا ببرند. در این مرحله کمیته سیاسی می‌کند از عدم آگاهی یعنی از کارگران استفاده کند و با چسب زدن به کارگران آگاه آنها را از توده کارگران دور نگه دارد. از آنجا که کارگران مصراً خواستار تشکیل سندیکای واقعی خود بودند، کمیته شکر خود را تغییر می‌دهد. سعی می‌کند سندیکای دلخواه خود را ایجاد کند.

پیشنهادی می‌کند انتخابات سندیکا باید تحت نظر و با مشارکت کمیته باشد. دوفت از اداره کار هم باید نظار باشند و اساساً از وزارت کار گرفته شود. این اساساً همان اساسنامه رستخیزی رژیم سابق بود که توسط موسس سندیکا کمیته تعیین می‌کند. در تاریخ یکشنبه ۱۴ اردیبهشت سندیکای مسجد معدن تحت نظارت کمیته سندیکای اداره کار تشکیل می‌شود.

انتخابات کاملاً قلابی است. اغلب کارگران به نحوه رای گیری اعتراض می‌کنند. کارگران درخواست متوقف کردن رای گیری و باطل کردن آنرا می‌کنند. کمیته این درخواست را رد می‌کند. در پایان اکثر کارگران نحوه انتخابات را غلط می‌شمارند. وقتی چند نفر به عنوان اعتراض جلساتی تشکیل می‌دهند ترتیب سندیکا با نام پانصدگانه تحت نفوذ کمیته هستند به وجود آمد.

بخشی از نمایندگان بانک صداقت دارند ولی کاری از دستشان ساخته نیست. هنوز هیچ یک از مسائل رفاهی کارگران حل نشده است. کارگران اکثر عناصر کمیته را هم به خوبی می‌شناسند. و سوابق آنها را می‌دانند. کارگران از این سندیکای فرمایشی قطع امید کرده اند. حالا دیگر آنها به خوبی می‌دانند که دوران سندیکاهای فرمایشی به سر رسیده است و هرگونه تلاشی از جانب هر مقامی هر قدر هم پیشوانه قوی معنویت داشته باشد نمی‌تواند دیگر کارگران را به شکل سابق متشکل کند و تلاشهای مذبحانه کمیته ها برای ایجاد و کنترل این تشکلات و تحت نفوذ قرار دادن آنها جز رسوایی هر چه بیشتر نمی‌تواند.

در مقابل کارگران به خوبی درک کرده اند که تنها از طریق اتحاد و تشکیل در سندیکاهای واقعی خود می‌توانند از منافع رفاهی - سیاسی - صنفی خود دفاع کنند و سرمایه داران و دولت آنها را وادار به عقب نشینی و دادن امتیاز کنند.

مختصری از مبارزات کارگران معدن سنگرو

اولین اعتصاب کارگران معدن در اواخر اسفندماه ۵۲ اتفاق افتاد. ما جواز اعتراضات پراکنده ذرواقتی که حادث می‌افتاد می‌افتاد. از حرکت کارگری دیگری قبل از این تاریخ اطلاع نداریم. انگیزه این اعتصاب این بود که حقوق اضافه شده در مرکز را در معدن پرداخت نمی‌کردند. اعتصاب صرفاً جنبه صنفی داشت. اما اشتراک شدیدی با کارگران توهین های مدیر عامل و شرابط خفسان روحیه تعرضی را به شدت بالا برد. روز اول اعتصاب کارگران با مهندسين و مدیر عامل زدو خورد کردند. مدیر عامل و مهندسین و پزشک معدن وحشتزده فرار کردند. ابزار سرکوب به سرعت به کار افتاد. ۵۰ سرابوود و افسر برای سرکوب اعتصاب کارگران به معدن فرستاده شدند. اعتصاب دو روز طول کشید. با دستگیری و اخراج شش تن از نمایندگان و زندانی کردن دوفتن از فعالین و قول رسیدگی به خواستهها اعتصاب پایان یافت.

شکست اعتصاب علل متعددی داشت. از آنجمله می‌توان از علل زیر نام برد:

کارگران تجربه مبارزاتی چندانی نداشتند. به همین دلیل و نیز به علت نداشتن آگاهی طبقاتی به قدرت عظیم تشکل و اتحاد خود پی نبرده بودند در همین رابطه تشکلات واقعی کارگری نداشتند. علاوه سرکوب و حیثانسه و منظم رژیم در قبال و در جریان اعتصاب بروحیه کارگران تاثیر گذاشت و آنها را به تسلیم وادار کرد.

در ادامه مبارزات کارگران باید از اعتصاب پیروز می‌شد. مهرماه ۵۲ یاد کرد. کارگران خواستار اخراج هشت نفر از مهندسین و رسیدگی به خواستههای صنفی خود شدند. اعتصاب تحت رهبری چند کارگر و کارمند آگاه که در جریان زمین - چینی اعتصاب با جدوی بهم نداشتند - شروع بودند. قرار داشت. در جریان اعتصاب، برخی از کارمندان به علت وابسته بودن به منافع شخصی و طبقاتی خود حرکتهایی در جهت شکست اعتصاب کردند. اعتصاب پس از ۲۱ روز موفق شد. هشت نفر از عناصر مزدور را اخراج کردند و برخی از خواستههای صنفی کارگران برآورده شد.

علت پیروزی نسبی اعتصاب را با پستی در وهله اول در رابطه با اوجگیری مبارزات خلق قهرمانان و ضربه پذیر بودن رژیم در پانزده ۵۲ توضیح داد. این جوهرات رژیم را وادار به عقب نشینی در برابر کارگران کرد. عامل دیگر اتحاد و همبستگی کارگران همراه با رهبری صحیح اعتصاب توسط عناصر آگاه و پیشرو کارگری بود.

حرکتهای کارگران بعد از قیام به مدت سه ماه

کارگران در اعتصابات سیاسی شرکت فعالانه نداشتند. کارگران بطور کلی در حوادث نبودند. کارگران آگاه معدن در جریان مبارزات مشخص کارگری با هم ارتباط نگرفته و رشد نکرده بودند. آگاهی سیاسی در میان کارگران به طور

کارگران معدن سنگرو در چه شرایطی کاری می‌کنند. تعداد کارگران معدن سنگرو در حال حاضر ۲۴۰ نفر است که از این عده ۲۰۰ نفر کارگر و ۴۰ نفر تکنسین و کارمند می‌باشند. کارگران در سه شیفت کار می‌کنند. از ۲۰۰ نفر معدن ۱۹۵ نفر غیر رسمی هستند. علل رسمی نکردن کارگران را باید در مسائل زیر جستجو کرد:

فرار از پرداخت حق باز نشستگی، فرار از پرداخت حق شیفت و پول غذا و امکانات درمانی را بگن.

کارگران از وضع مسکن ناراضی هستند. زیرا هر ۲-۳ کارگر در سالنهای ۸-۱۰ متری زندگی می‌کنند.

کارگران متاهل بازن و بیچه پایشان در همین سالنهای زندگی می‌کنند. بهداشتی معدن ظاهراً به درمان سرپاچی نپساران می‌پردازد. اصولاً بهداشت و جلوگیری از ابتلا کارگران به بیماری توجهی نمی‌شود. کارگران به علت کار در زیر زمین پس از مدتی دچار بیماریهای ریوی مثل سل می‌شوند. تراکم و کثرت بیماریهاست است که در میان کارگران زیاد دیده می‌شود. حادثه در معدن موضوعی عادی شده است به گفته خود کارگران کارگری که در زیر زمین کاری می‌کنند با شرایط بدنی فوق العاده اگر دچار سانحه شود، حداکثر ۱۲-۱۵ سال می‌تواند دوام بیاورد. عیداسال سه نفر از کارگران تونل بر اثر گاز رفتگی جان خود را از دست دادند. از جمله علل این حوادث می‌توان از نبودن وسایل ایمنی و کم اطلاعی کارگران در مورد حوادث ناشی از گاز نام برد. علت آن هم این است که جان کارگران برای سرمایه داران ارزشی ندارد. کارگری بکار زیاد است و وزارت کار هم که در مورد گذشته شدن کارگران لال است

۱- چهل ساعت کار در هفته

۲- لغو شدن شیوه کار مزدی روز مزد شدن کلیه کارگران با حقوق کافی

۳- استفاده از مرخصی سالانه با حقوق طبق قانون کار

۴- سهم شدن کارگران در سود کارخانه و پرداخت حقوق برای روزهای جمعه و تعطیل رسمی در صورت کار در روزهای تعطیل حقوق دوبرابر پرداخت شود.

۵- کار فرمایان باید بدون دلیل کارگران را اخراج کنند.

با امید به پیروزی نهایی یکی از کارگران خراسان

نامه یکتا کارگر
تا وقتی بهره کسی هست
مبارزه و اعتصاب هم هست

رفقای فدایی خواهش می‌کنیم نامه ما را در صفحه نامه های کارگران روزنامه کار چاپ کنید.

هنوز خون برادر کارگران که در کارخانه کاشی سدی به خاطر جوش های سرمایه داران کشته شده و خشک شده. در روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه در شرکت آکام بتون (شرکت زمینه) بر اثر ترکیدن تانک حمل سیمان که از کارخانه سیمان برای شرکت سیمان آورده بود، ۳ نفر از برادران کارگران به بطور فمیلی کشته شدند. از زنده های آنها فقط نکهت بارها باقی باقی ماند. در این حادثه دهه ای از برادران کارگر کشته شدند.

تکرار این حوادث در جوامع سرمایه داری چیز تازه ای نیست و در آینده هم بارها شاهد حوادث نظیر آن خواهیم بود.

سرمایه داران که برایشان هیچ مقدس تر از سود حاصل از دسترنج ما کارگران نیست، هنوز از بهترین تره ترین تکنیکها استفاده می‌کنند. البته به خاطر این کارها ما را بلکسه به خاطر به جیب زدن سودهای کلان. ما کارگران در حالی که اغلب ما شیمن آلات کارخانجات را توی تیکه هستند مجبوریم برای سیر کردن شکم خود و خانواده ما که خطرناکترین کارها را هر روز انجام می‌دهیم هر چند گاهی شاهد مرگ جمیع برادرانمان و سرپرست شدن خانواده ما باشیم و همیشه در هوای کثیف و گرد و خاک سی و نوس می‌کاریم. سرمایه دارها هیچگاه حاضر نمی‌شوند از تکنیکهای پیشرفته آموزشی برای ایمنی و راحتی کار کارگران استفاده کنند چه برایشان سودی نمی‌آورد.

حرف آخری که می‌ماند با دولت است اصطلاحاً انقلابی ماست.

آقای بازرگان هر وقت صحبت از کارگران می‌کند حرفهای مثل حرفهای کارفرماهاست. یکبار هم داد و فریاد راه انداختند که کارخانه ما ملی شده. این کار هم مثل بقیه کارهای دولت فقط به سود کارفرماها می‌گردد. مگر این چه کارخانه ما به حال کارگران است که در تانکهای سیمان تانکی داشت؟ در حالی که در ادوالت و بیرون دولتی با تکرار حداقل حقوق ۶۸ هزار برای کارگران گوشمان را گرفت. در کارخانه ما (کفش ملی که ملی شده) هنوز حقوق ۳۵ تومان فراوان داریم (تازه بعد از اضافه کردن حقوق برای اینکه توله را بالا ببریم).

وقتی اعتراض می‌کنیم می‌گویند "صبر انقلابی" داشته باشید. ما از دولت سؤال می‌کنیم آیا باید در شرکتها کارخانه های ملی شده هم هر روز با جانمان بازی کنیم؟ آیا بر انقلابی ما، ۴ برادر کارگرمان را که روز

سلب آزادی مطبوعات زمینه ای برای سرکوب خلاق

بمناسبت سالگرد حماسه تل زعتر

یاد شهدای تل زعتر گرامی باد

(قسمت دوم)

جاده تل زعتر

امروز، هیچ چیزی به جای نموده است... دیگر کسی در اردوگاه جلیلی باقی نیست...
از این رومانند تعمیر کنندگان آثار باستانی، من نیز این سطور را می نگارم. من در نوشته خود به دیوارها و طاقها استناد می جویم تا حقایق را به معرض نمایش گذاشته باشم. اما رنگهای خضوت بارند، وحشت و جبروت جاری در آنجا چیزی بیشتر از لرزه و اضطراب در انسان می آفریند...

اشکال گوناگون اندوه، و عواطفی که می شمارند. من بیست و پنج سال پیش قائم شدم. چه کاری بالاتر از حادثه زنده یافت می شود؟ نوشتن امتداد به شمار می آید و ما ناچار از انجام آن. عذروانده من آشکار است. مولفین واقعی همان اهالی تل زعترند که در این لحظات تعیین کننده ای که از سرگذرانده اند با سادگی و پاک و انکا، به نفس سخن می گویند. درست همان گونه که آن لحظات را به هنگام محاصره و سرگذر تجربه کرده اند. اینان نمونه صادقی از چنان مبارزانی را نشان می دهند. راه جنگ خلق نامعصومی مصمم و بی برگشت، بر زمین می بوی بیست روی ماگنوده می شود که بر اساس آن در اینجا، هر سخن اضافه ای و هر تلاشی فردی هر چند بزرگ، چیزی جز گوش اصلاح گرانده و ریشی به شمار می رود و هر کوششی خود به گونه ای مشارکت ناچیز است که ساند سرد تل زعتر مورد استفاده قرار گیرد. ناآلتر از احساس ضرورت همین مشارکت ناچیز سبک می دانیم که ناچار باید ریا و تزویر به کار بندیم. محبوریم تصور واقعی و رنده همه رویدادها و ریزشها و دلایل آنها را با ما بگوئیم. هر کاری صورت گیرد خود کوششی است. متواضعانه در جهت انتشار گوشه ای از اخبار موفی القاده رگدی حماسه آفرین و قهرمانانه خلق، آن چنان رویدادهایی بایسته عصیان در مقابل فراموشی. زیر اقلقی که حاطه اس را زد دست دهد و تحاریرش را فراموش کند. غیر ممکن است بیرون رود.

کلمات بر طمطراق درباره قتل ما، تشعشعات رادیویی و یژکی این نوشته است. تجربه انسان با رویدادها آمیخته می شود و حاصلش همه چیز است. قهرمانی با همه سادگی کودکانه اش. افتخار، اندوه و خوشونت. صبر کشاورزان در روزهای جلیل وادی "حولا". سادگی فروخورده ایمان به پیروزی دیرین... لحظه ای که در آن زندگی و مرگ صرفاً تصادف است چه معنایی می تواند داشته باشد؟

این کلمات باران دیرپاری را می ماند که به هرحال می سارند. ای تل زعتر. همه کلمات برای یافتن چیزی از تود حرکت کنند و توان تمام شکوه و جلال بر فراز ویرانه ات ایستاده ای و به کار خود مشغول. به دنبال تو همه چیز را بر روی زمین کشیم، بلکه خود را به تورسانیم و با تو پیوند پاییم، بلکه به برخی ارزشهای آراسته شویم. اما تو سانسنگد لی تمام به ما بی اعتنائی.

ما احساس توهین و ناچاری و گناه می کنیم...
توجهی
فرهنگ مبارزاتی خلقی کوچک
تفوق قهرمانی توده ای در روند لحظه سیاسی مشخص
طمع آبی آمیخته با خون و رگ و... تشنگی
برق امید در دل
نارنجکی چون نهال در دست
خنجره خلقی رانده شده
پیروزی نزدیک
تو همه اینها هستی و بیش از این... تو همیشه بیشتر

شماره آخرین حمله چه بود؟ ۱۶-۲۵-۲۴-۴۵-۵۷-۶۶-۷۲...
رابطه حساب کلاسیک با علم حساب سیاسی چیست؟ از این هم گذشتیم بالا تر رفتیم. تا آنجا که بر یک و لرزه تفوق جسمت. نامت رحمت کشید. است بوی گوشه گوشه پایتخت ها و شهرها منتقل شده. لرزه در دیرین انسانها می اندازد و انقلابیون روز میدان را شور می بخشد. اعلامیه صادر می کند کنفرانس های بزرگ برگزار می کند و تظاهرات تأیید آمیز را میسری می کند. نام تودرتبه کوچک و بران شده سوخته اش احساس تنگی می کند. اینک بالای رود. بالای میدان مرکزی شهر نابلس در جبهه ای که الله. دشمن صهیونیستی او را در چشمان تظاهر کنندگان همچون شوره ای و گلوه ای و اراده ای می بیند...

حکام سرخودی لرزند. کشتی های پلیس به حرکت در می آیند و به دنبال او همه چشمها و قلبها را تفتیش می کنند... و تل زعتر تشیی است که خود نمی میرد. خلقی است که پایان نمی پذیرد. همه خانه های حصیری و نازک و بران شد. در آتش سوخت. اما جوب درها و پنجره های موربانه خورده ات و آتشی خانه های حلبی سوخته ات. خود را در اختیار زنان قرار دادند تا آنان عدس بپزند و آب را به حای شیر به کودکان نشان بخوراندند. با این همه کودکان از گرسنگی و تشنگی و درد فریاد می کنند به این می ماند که آنها تا آخر مرگشان را محکوم می کنند. فریاد اطفال تل که از گرسنگی و تشنگی خشکیده شده اند، فریاد درد آلود و کربسه ای را می ماند که هرگز نمی توان آن را فراموش کرد. فریاد انسانهایی که چنین بیشتر از آنچه در توان انسان است، در برابر گرسنگی و تشنگی شکنجه و مرگ را تحمل کرده اند.

فریادهایی که به فریاد غیر انسانی تبدیل شد. با آنکه چه بسا فریادهایی با صدیه گونه فریادهای قبل از بازگشت به حیفا و روستاهای جلیل. فریادهای آن شادی فروخورده که قبل از وحشت برآمده است خیلی زودتر از موعود. لحظاتی پیش از تل زعتر.

درباره امتیازاتی که ساکنین تودر کبرهای حلبی نشان از آن برخوردارند، بسیار سخن گفته اند. آنها فقط تورا به عنوان نیروی برودر کاری خواستند و نه به عنوان نیروی سیاسی انقلابی ای که علیه فقر خویش و به خاطر فلسطین بجنگی.

هر چقدر دشمن خنجر دیگری بر ما فرود آورد و تاریکی مرگ آور و زنی یافت و محاصره تنگ تر شد و قلبها و مغزها و دستها و پاهایمان را بیشتر بستند، تو ستاره تازه و مشت مصمم دیگری که راه را پیش رویمان روشن کند از خود تقدیم داشتی.

تو جاده شدی. توبه ما یاد دادی ای تل زعتر. با خون و قربانی و دردها به ما صراحت را نشان دادی.

تو با گرسنگی و تشنگی کودکان و زنان و با خانه های سوخته و خون شهدانت به ما گفتی بی هیچ تردیدی این دشمن است. تو هم را کنار بگذارید. با سخ مشاوات گوناگون را که برایمان وجود داشت توبه

پس داری و جسارت خود دادی راه را بالا بردی برای ما تا تل زعتر گسودی. اینک راه به طرف تومی آید. اگر چه دشوار است و دراز، اما چاره ای نیست. آبارها دیگری جز این نیست. سر راه تل زعتر مبارزه ای با تو طوکه سازش امپریالیستی در جهان غرب و نیز ضرورت برای لسانی ملی و دموکراتیک و عربی قرار دارد.

راه تل زعتر. راه ادامه مبارزه و مقابله و مسیر انقلابی است. راه توده ها.

راه تل زعتر از مکان های بسیاری می گذرد و به فلسطین می انجامد راه تل زعتر نزدیکترین راه است به فلسطین.

پیام هایی از تل زعتر

از پزشکان تل زعتر به آرا، عمومی جهان

تل زعتر محاصره است و تعداد محرومین هر لحظه بیشتری می شود. دارو هر لحظه کمتری می شود... ما پیش از این برای آرا، عمومی جهان درباره کشتارها و حنایت هایی که در اردوگاه به دست نیروهای فاشیست صورت می گیرد، توضیح داده بودیم. مسئله نقل و انتقال زخمی ها

این مقاله ادامه مقاله ایست که در نشریه کار شماره ۲۸ بجاب رسیده بود. اما بدلیل کثرت مطالب درج بقیه آن میسر نشد و حالا ادامه آن در این شماره آورده شده است

پیام ها و نامه های سرگشاده ای به حکومت های عربی فرستادیم و ویژه وزرا، خارج کشورهای عرب و مسئولیت ادامه محاصره تل زعتر و حمله های فاشیستی ای که نیروهای فاشیست بدان دست می زنند به آنها واگذار کردیم. ما این همه همچنان به تنهایی در سایه عطش، گرسنگی و بیماری می جنگیدیم. احسان در حیان ریحانه شده و آب پیدائی می شود. رسیدن به آب سخت است. وقتی هم به دست می آید، آمیخته است به خون شهیدانمان.

(محمود الاحمد نویسنده. ۱۳/۸/۱۹۷۶)

جنگ نابرابر... رجز خواندن دشمن را تحمل نمی کنیم

"حنکی که در تل زعتر صورت گرفت، نبردی نابرابر بود. گناه هم به گردن اهالی تل زعتر نیست. این مشکل حرجی است از همه مشکلات انقلاب و به همین دلیل خواستار شدم که اگر مسئله به ما تمام می شود. از ما دست بکشید. ما نپذیریم نبردی می نویسم رهبری انتظار داشت که تصمیم نهایی را تل زعتر صادر کند و ما موافقت می کردیم. اگر عقب سستی و با تسلیم تل زعتر در مقابل شرطی باشد که به حنایت انقلاب صریح بود. ما از این کار سرباز می زنیم. ما از آنکه



اعلانات بخواهد از هر جایی در مقابل تل زعتر عقب نشینی کند. امتناع می ورزیم. ما از اینکه قرارداد قاهره بخواهد در مقابل تل زعتر لغو شود. (در قرارداد قاهره به سال ۱۹۷۰ آمده بود که فلسطینی ها حق دارند در فلسطین و هر جایی دیگری که اردوگاههای خلقشان قرار دارد، مسلح باشند و برای آزاد ساختن فلسطین فعالیت کنند و همه سران عرب که به دنبال قتل عام سیتا سر سیاه در قاهره جمع شده بودند، این فرار - داد را پذیرفته بودند). بگذار تل زعتر صدبار در آتش بسوزد، بگذار همه ما نابود شویم اگر سی هزار فلسطینی از اصل سه میلیون فلسطینی کم شود، مسئله ای نیست. مهم اینست که در مقابل رجز خوانی دشمن سر فرود نیایم و با او سازش نکنیم.

(احمد قسح)

شب عقب نشینی

"شب عقب نشینی پیروان اردوگاه به ستاد عملیاتی آمدند تا ترتیب خارج ساختن زنان و کودکان را مورد بررسی قرار دهند. اگر فشار مردم در مقابل سختی دسترسی به آب و کمبود آذوقه نبود، ما هرگز تسلیم نمی شدیم. شورایی از پیروان تل زعتر برای مذاکره با لائوسیت هارفتند و ساعت ۲/۵ صبح برگشتند و گفتند که بعد از نشست با "امین جلیل" با او به توافق رسیده اند. "جلیل وقتی آنها را دیده بود گفته بود "اهلا و مرخبا به پیروان تل زعتر". آنها دست نوشته ای با خود داشتند که می گفت "ما شما سی سال است که دوست و برادریم. شما را تصور نادرستی دارید. ما مردم صاحب اخلاق و اصول هستیم... آماده ایم صلح سرخ بیاوریم تا زنان و کودکان را خارج سازند. اینکه شما فکر می کنید ما غیر اصولی سومی بریم و می کشیم صحیح نیست... ما به این سخن اعتماد نکردیم. جوانانمان به کوهستان زدند. راهبارها باز ره بوش بسته یافتند. برگشتند و تا صبح ماندند ساعت هشت صبح خبر رسید که فلاژنها از ناحیه "خروبه" وارد شده و گفته اند "هر کسی که سلاح از زمین بگذارد، سالم خواهد ماند". جوانان علیه رزم تشنگی فراوان، مواضع دفاعی گرفتند. مردم همه نزدیک نانوائی به انتظار صلح سرخ بودند. فلاژنها به روی مردم آتش گشودند. مردم داخل ساختمانها شدند. منظره های مصیبتباری بود. ساعت ۹ صبح است. نه خبری به ما می رسد و نه صلح سرخ پدیدار می شود. ساعت ۹/۵ فلاژنها حمله به اردوگاه را آغاز کرده اند. دفاع کاملاً مرکبار بود."

(ابو محمد صفوری ۶۰ ساله)

زن سوری از تل زعتر

زن سوری تنها فرزندش را از دست داده است. او نزدیک گشوش اطرافش فریاد می زند "در بست تفتیش مارا لخت کردند و هر چه داشتیم از ما گرفتند، انگشت، ساعت، دستبند، انگو، همه را بردند. خوش روی سربچه هایمان راه می رود. بگناه و نیم است که در پناهگاه به سر می بریم. بدنمان یک قطره آب به خود ندیده است. همش عدس و خرما خوردیم و اهمیت ندادیم ولی آب ما را از پا آورد. اگر مشکل آب نبود تل زعتر سقوط نمی کرد. بعد از تو دنیا را برای چه می خواهیم حسن جان.

ادامه دارد

در متن تلگراف اهالی و مدافعین تل زعتر به وزرا، خارج عرب صحبت می کنند.

"ما با شما به از موضع نكدي و جلب عواطف، بلکه از موضع پایداری قهرمانانه سخن می گوئیم. ما از قتل گرسنگی و عطش زاده شده ایم. به همین دلیل تصمیم گرفتیم شمارا در مقابل تصویر زنده ای از اردوگاه خویش قرار دهیم و در تاریخ به ثبت برسانیم که شمارا در مقابل مسئولیت هایتان قرار داده ایم. باشد که به اذهان همه یک از توده های عرب خطور نکند که شما نمی دانید در اینجا چه می گذرد. بسیاری از زخمی - هایمان کسانی بودند که می شد زخمشان منجر به مرگ نشود. آنها با خطر نبودن دارو، آنقدر خونریزی کردند تا جان دادند. شهیدایمان برادر نزدیکترین جفرهای که می توانستیم جفر کنیم، به خاک سپردیم و برخی از افراد ما هنگام این کار شهید شدند. به شما می گوئیم که ما در دفاع از این اردوگاه حتی اگر سلاحمان به پایان رسد باز خواهیم جنگید.

در متن تلگراف اهالی و مدافعین تل زعتر به وزرا، خارج عرب در تاریخ ۱۴/۷/۱۹۷۶

پیام های بسیاری فرستادیم، با این همه خودمان ماندیم و خودمان که می جنگیدیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سرکوب خلقها خواست امپریالیسم و ارتجاع است

تاریخچه جنبش کارگری جهان

موقعیت مبارزه طبقاتی بعد از شکست کمون پاریس
تشکیل بین الملل (انترناسیونال) دوم کارگری



دوران تدارک مسالمت آمیز در دهه ۵۰ و ۶۰ قرن نوزدهم میلادی (حدود یکصدسال پیش) توسعه و تکامل سرمایه داری در کشورهای اروپایی ادامه یافت و گذار از مرحله سرمایه داری رقابت آزاد به سرمایه داری امپریالیستی آغاز شد. از این پس بورژوازی بکلی به سوی ارتجاع گرایش یافت. جنبش جهانی کارگری نیز به تدریج خود وارد مرحله نوس شد. لنین آموزگار پرولتاریا در این باره می گوید: "در غرب دوران تدارک مسالمت آمیز" برای مقابله با تحولات آینده آغاز شده است. در همه کشورهای احزاب سوسیالیستی با پایگاه پرولتری ایجاد می کردند. طبقه کارگر راههای استفاده از پارلمان بورژوازی نحوه ایجاد نشریات روزانه، شیوه بکار بردن آموزشهای علمی و تشکیل سندیکاها و تعاونی های خاص خویش را تجربه می کند. نظرات مارکس بطور کامل بر سایر عقاید چیره شده و بطور روزافزونی اشاعه می یابد. جمع آوری نیرو و تدارک برای مبارزات آینده به آرامی ولی فاضله بی گیری می شود.

طی این مرحله وطیبه اصلی پرولتاریا عبارت بود از: ایجاد حزب انقلابی و مستقل طبقه کارگر و متحد کردن نیروهای انقلابی به منظور تدارک ایدئولوژیک و تشکیلاتی برای روبرویی با مراحل بعدی اوج گیری انقلاب به این ترتیب طبقه کارگر کشورهای مختلف اروپا با کمک مارکس و انگلس، این آموزگاران پرولتاریای جهان، یکی بعد از دیگری احزاب و تشکیلات خاص خود را به وجود آوردند.

پایان فعالیتها بین الملل اول و ایجاد بین الملل (انترناسیونال) دوم کارگری بعد از شکست کمون پاریس بین الملل اول کارگری از سوی دولتهای ارتجاعی بورژوازی اروپا تحت فشار زیاد قرار گرفت. از طرف دیگر این تشکیلات بین المللی از داخل نیز با توطئه چینی آتاریستها اقدامات تفرقه افکنانه و انتصاب طلبانه آنها روبرو بود. اینها عواملی بودند که مانع ادامه فعالیتها بین المللی می شد. در نتیجه شورای عمومی انترناسیونال در سال ۱۸۷۲ میلادی (۱۵۱ هجری شمسی) تصمیم گرفت مقر اجرای این تصمیم بخودی خود فعالیتها بین المللی اول را به رها کند. جنبش کارگری در آن دوران وارد مرحله نوبنی از تشکیلات نیروها و احزاب سیاسی کارگری شده بود و اشکال سازماندهی خاص انترناسیونال اول با شرایط نوین سازگار نبود. به این دلیل شورای عمومی به پیشنهاد مارکس آخرین کنفرانس خود را در سال ۱۸۶۴ در آمریکا برگزار کرد و در پایان این کنفرانس طی قطعنامه ای رسماً انحلال انترناسیونال اول را اعلام کرد. پس از گذشت مارکس در سال ۱۸۸۳ میلادی، مسئولیت سنگین رهبری جنبش بین المللی کارگری تماماً به دوش انگلس افتاد.

اوج گیری نوبن جنبش کارگری در کشورهای مختلف اروپا همراه با ایجاد احزاب کارگری و نیز نشرواشاعه مارکسیسم در سطح وسیع، شرایط لازم را برای وحدت نوبن طبقه کارگر فراهم آورده بود. بعد از انحلال انترناسیونال اول، فکر اتحاد بین المللی کارگران در ذهن نبرد فرد کارگران کشورهای مختلف جهان باقی مانده بود. در آغاز دهه ۸۰ قرن نوزدهم میلادی، گروهی از سازمانهای کارگری به مارکس و انگلس پیشنهاد می کردند که فعالیت انترناسیونال از سر گرفته شود و با جمعیت نوبنی برپا شود. اما مارکس و انگلس در این زمان معتقد بودند که هنوز شرایط فراهم نشده است. آن دوره پرولتاریا به پوسته موضوع ایجاد انترناسیونال نوبن را در رابطه با سطح آگاهی طبقه کارگر و نیازهای روز مبارزه طبقاتی می دیدند. با فعالیتها و خستگی ناپذیر انگلس نفوذ مارکسیسم در جنبش کارگری روز بروز

اخبار جهان

خبرهایی از اعتصاب وزد و خورد در کشور پرو

کارکنان بانک های پرو در هفته اول شهریور ماه جهت تاکید بر خواسته خود در مورد اضافه حقوقی که با سخوی چهل درصد افزایش هزینه زندگی خود است از کار کشیدند. - بیست و چهارمیلی که در هفته چهارم مرداد ماه دفتر سازمان کشورهای آمریکایی را اشغال کردند اعلام کردند سازمانی که دولت نظامی پرو موافقت نکند که با اتحادیه علمان که اکثر آنان چپ گرا هستند، وارد مذاکره شود همچنان این ساختمان را در اشغال خواهند داشت اتحادیه کارکنان آموزش و پرورش پرو چهارم زوئن سال جاری سیجی خواستار برپائی اعتصاب علمان شد. لیکن دولت پرو این اعتصاب را اقدامی بانگسرسیاسی دانست و از مذاکره با علمان اعتصاب خودداری کرده است.

دراثر زد و خورد نامورن پیسی رژیم نظامی پرو با دانشجو بان و علمان اعتصابی در روز ۵ شهریور ماه یک دانشجو کشته شد. اتحادیه های کارگری شهر کوزکو واقع در ۷۲ کیلومتری جنوب شرقی لیما به حمایت از اعتصاب علمان که جهت افزایش حقوق صورت گرفته در روز ۶ شهریور به یک اعتصاب ۴۸ ساعته دست زدند. - کارکنان بیمارستان های دولتی پرو نیز در روز ۶ شهریور به عنوان اعتراض به کاهش حقوقشان به خاطر اعتصاب در روز ۶ ماه گذشته به یک اعتصاب ۴۸ ساعته دست زدند. کارکنان بیمارستان های پرورد در جریان اعتصاب در روز خود فقط موارد اضطراری را پذیرفتند.

تظاهرات کارگران و دانشجویان بخاطر گرانی قیمت ها در سودان

موج اعتصابات و تظاهرات کارگری و دانشجویی به دنبال افزایش قیمت ها در سودان بالا گرفته است. قیمت شکر به میزان ۳۳ درصد و بنزین به مقدار ۶۶ درصد افزایش یافته است. دانشجویان سودانی در روز ۱۸ مرداد ۵۸ در خرطوم به عنوان اعتراض به گرانی قیمت ها دست به تظاهرات بزرگی زدند. در این تظاهرات بین دانشجویان و نیروهای مسلح سودان زد و خورد در گرفت. کارکنان راه آهن سودان نیز به علت پائین آمدن قدرت خریدشان دست به اعتصاب زدند. سودان کشوری وابسته به امپریالیسم است. دولت سودان در چند سال اخیر وامهای کلان اسارت آوری از کشورهای امپریالیستی دریافت کرده است. در نتیجه دریافت این وامها بدهی این کشور به کشورهای خارجی از ۲۱۲ میلیون دلار در سال

۱۳۵۱ (۱۹۷۲ میلادی) به ۱/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸ میلادی) افزایش یافت. وامهایی که دولت سودان از کشورهای امپریالیست دریافت می کند صرف توسعه اقتصاد وابسته سودان و واردات کالاهای خارجی می شود. دولت سودان در اردیبهشت ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی) برای دریافت وامی به مبلغ ۲۶۰ میلیون دلار از صندوق بین المللی پول با این موسسه که تحت کنترل کشورهای امپریالیستی می باشد، به توافق رسید. قرار است که در جهت ادامه فرم اقتصادی که از سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳ میلادی) آغاز کرده، سرمایه گذاری شود. فرم اقتصادی در جهت توسعه و تحکیم هرچه بیشتر سرمایه داری وابسته در سودان طرح ریزی شده است.

برای نبرد اساسی طبقاتی را که امری ناگزیر خواهد بود، ببینند. در این هنگام نظرات انحرافی هم در میان کنگره انترناسیونال شیده می شود بعضی اوقات تصمیمات ناسف باری هم گرفته می شد. همه اینها ناشی از تمایلات ایورتونیستی بود که در جنبش کارگری وجود داشت و در کنگره انترناسیونال متبلور می شد. بورژوازی تمام نیروی خود را در این امر گذاشته بود که در جنبش کارگری انتصاب و تفرقه ایجاد کند. او می خواست که پشتیبانی آریستوکراسی (شرافیت) صنعتی را به کار گرفته و آن را با جنبش پرولتاریائی بیوندزند.

دراواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی همین آریستوکراسی (شرافیت) کارگری موجب به وجود آمدن ایورتونیسم و فرمسیسم در جنبش کارگری شد. با وجود این انترناسیونال دوم موفق شد که رل مهمی را در تدارک مبارزه طبقاتی سازمان ها و احزاب کارگری برای نبرد قطعی بادی کند.

کند و به منظور بزرگداشت خاطره مبارزات قهرمانانه کارگران شیکاگو در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۱۸۸۶ که برای کاهش ساعات کار روزانه به هشت ساعت صورت گرفته بود، این روز را جشن عمومی کارگران سراسر جهان اعلام کرد. کنگره کارگران سراسر جهان دعوت کرد تا هر ساله در این روز تظاهرات عظیمی برای کاهش ساعات کار روزانه به هشت ساعت و اجرای کامل اصول قطعنامه کنگره پاریس برگزار کنند. از آن تاریخ، اول ماه مه به صورت روز جشن کارگران، روز مبارزه محمّد کارگران روز وحدت پرولتاریا و حلقه های زحمتکش سراسر جهان در آمده است. نقش بسیار مهم کنگره پاریس در جنبش کارگری به زودی آشکار شد. کارگران سراسر جهان به گرمی به دعوت کنگره برای "برگزینی پرشکوه جشن اول ماه مه" پاسخ مثبت دادند.

در روز اول ماه مه در سال ۱۸۹۰ در اکثر شهرهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، بلژیک، هلند، آمریکا، سوئد و نروژ، تظاهرات عظیم کارگری صورت گرفت. انگلس که در آن زمان هفتاد ساله بود، در راهپیمائی اعتراضی کارگران لندن شرکت کرد. انگلس ضمن بحث درباره این تظاهرات نوشت: "طبقه کارگر اروپا و امریکای نیروهای مبارزاتی اش را به نمایش گذاشت و برای اولین بار در یک صف و دوزیر یک پرچم بسیج شد. ... تظاهرات این روز به سرمایه داران و زمینداران همه کشورهای جهان نشان داد که پرولتاریای سراسر جهان در واقع متحدند.

رسمی کرد. جنبش کارگری نوبنی با خصلت توده ای در حال اوج گرفتن بود و اشتیاق کارگران همه کشورهای برای تحکیم وحدت بین المللی پیوسته روبه افزایش بود.

در پایان دهه ۸۰ قرن نوزدهم حزب کارگران سوسیالیست آلمان و حزب کارگران فرانسه پیشنهاد کردند در طرف مدت کوتاهی یک کنگره بین المللی سوسیالیستی تشکیل شود. زمانی که انقلابیون در تدارک تاسیس یک انترناسیونال جدید بودند، ایورتونیستهای (فرست طلبان) رنگارنگ نیز گوشه نشینان نیز سازمان جدیدی به منظور تسخیر قدرت رهبری در جنبش کارگری برپا سازند. هدف این ایورتونیستها توطئه چینی علیه انقلابیون و افشاندن تخم نفاق در جنبش بین المللی کمونیستی بود.

در این موقعیت حساس که سر نوشت جنبش بین المللی کمونیستی در بین بود، انگلس مصمم تر و قاطع تر از همیشه دست به کار شد و به افشای برحمانه توطئه های ایورتونیست ها و ماهیت آنها پرداخت. وی همچنین سازشکارانی را که از اهمیت فوق العاده مهم مبارزه با این جریانها غافل بودند، شدیداً مورد انتقاد قرار داد. سرانجام به پیشنهاد انگلس در فوریه ۱۸۸۹ (بهمن ماه ۱۲۶۸- هجری شمسی) احزاب کارگری کشورهای مختلف در یک کنفرانس مقدّماتی در لاهه شرکت کردند و تصمیم گرفتند که کنگره سوسیالیستی بین المللی در ماه ژوئیه همان سال در پاریس تشکیل شود. در ۱۴ ژوئیه ۱۸۸۹، در صحن سالگرد انقلاب کبیر فرانسه، کنگره کمونیستها در شهر پاریس دست به کار شد.

۳۹۲ نماینده از ۲۲ کشور در این کنگره شرکت کردند و در بین نمایندگان تعداد زیادی از چهره های درخشان جنبش کارگری قرار داشتند. کنگره پاریس در پایان کار، قطعنامه ای انتشار داد که از اهمیت تاریخی بسیاری برخوردار است. کنگره پاریس سیاست نظامی گری دول سرمایه داری را مورد بررسی قرار داد و در قطعنامه کنگره بین المللی دوم این سیاست را محکوم کرده و از همه سوسیالیست ها خواست که بر علیه جنگ رای دهند. در ضمن جلسات کنگره، بحث و مذاکرات با ارزشی درباره اینکه پرولتاریا چگونه می تواند از پارلمان بورژوازی به عنوان تریبون، برای تبلیغ ایده های خود در جهت پیبرد فعالیتها و سندیکایی استفاده کند، انجام گرفت. این بحث ها روشن می ساخت که طبقه کارگر با ایجاد آنچنان هنر مبارزه طبقاتی در دوران صلح بهره مند با غده که بتواند تدارک کافی

بازداشت کارگران و روشنفکران در مصر

رژیم فاشیستی انور السادات در جهت بازداشت کارکنان و روشنفکران و نیز اعضاء مهم حزب "ترقیخواه متحد ملی" مصر را بازداشت کرد. در میان بازداشت شدگان گروهی از روشنفکران و کارگران نیز دیده می شود. این بازداشت ها برای جلوگیری از کشیده شدن دامنه تظاهرات خرطوم به مصر و جلوگیری از روی دادان تظاهرات حق طلبانه خلق مصر نظیر ۱۹۵۱۸ از انوبه ۱۹۷۷ است.

احمد الخلیل حقوقدان چپ گرای مصری که یکی از بنیادهای و شش نفری است که توسط پلیس امنیتی مصر دستگیر شد دست به اعتصاب غذا زده است. حزب ترقیخواه متحد ملی طی بیانیه ای که در قاهره انتشار داد اعلام کرد احمد الخلیل که یکی از اعضاء این حزب است به خاطر دفاع از دموکراسی و تضمین حاکمیت قانون دست به اعتصاب غذا زده است. در این بیانیه هم چنین حزب ترقیخواه متحد ملی خواستار لغو حکومت نظامی و پایان دادن به بازداشت نامعذود خلق مصر شده است. بین بازداشت شدگان شش حقوقدان چهار روزنامه نگار، یک عضو پیشین پارلمان و چند دانشجو هستند.

اعتصاب هفت هزار کارگر در بندر لیمون

در روزهای ۲۸ و ۲۹ مرداد سال جاری در برخورد های شدید بین اعتصاب کنندگان و گارد ملی کاستاریکا در بندر لیمون واقع در ساحل اقیانوس اطلس بیش از پنجاه تن از اعتصابیون زخمی شدند. هفت هزار کارگر از جمله باراندازان و کارکنان پالایشگاه نفت و راه آهن برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار خود دست به اعتصاب زده اند.

یورش پلیس کره جنوبی به کارگران متحصن

هشت تن از مخالفان رژیم کره جنوبی به اتهام برپا کردن اعتراضی کارگری در روز ۲۶ مرداد ماه در شوش بازداشت شدند. در میان بازداشت شدگان سه تن از رهبران این اتحادیه کارگری دیده می شود. حدود یکصد و نود کارگر در روز ۲۰ مرداد در مقابل دفتر حزب دمکراتیک نوکسره جنوبی که مخالف رژیم کنونی کره جنوبی است متحصن شدند. در یورش پلیس کره جنوبی به کارگران متحصن، یک زن کارگر کشته شد. از سوی دیگر ۱۰۰ حقوقدان به عنوان اعتراض به اقدام پلیس در مقابل دفتر حزب دمکراتیک نوکسره متحصن اختیار کردند.

حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی است

نامه یك روستایی :

منافع مالکان و سرمایه داران پیوند خورد ما دست و پا کردیم دست برزگر باشد و کارخانه به کارگروا گذار شود دیگر نمی توانند به ما زور بکنند.

نظیر آنست که این نوع کارخانه ها را که در ایران بسیار کم است و در سایر کشورها بسیار زیاد است و در ایران هم به ندرت می بینیم...

من کارگری روستایی و دهقانی هستم و در کارخانه های بزرگ و کوچک کار می کنم و می بینم که سرمایه داران چگونه ما را استثمار می کنند...

تلاش کارگران کشتیرانی برای تشکیل سندیکای واقعی



کارگران کشتیرانی در حال تشکیل سندیکای واقعی هستند.

خوشبختانه سندیکای کارکنان کشتیرانی های خرسور که در حال ادغام است و با کمک برای تشکیل سندیکای واقعی در ایران تأسیس شد...

روستائیان چارایماق هشرود رئیس کمیته را که با فتودال منطقه همکاری می کرد دستگیر کردند



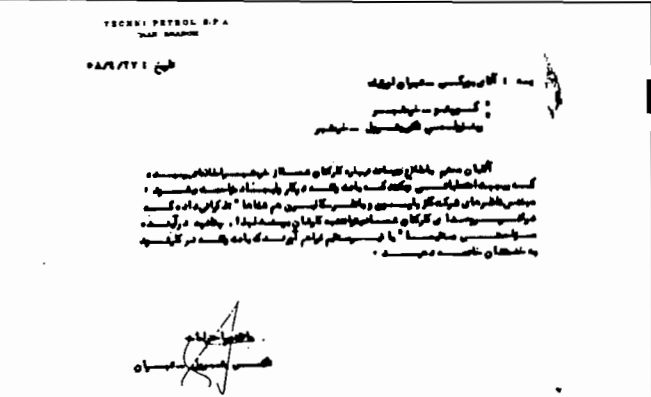
روستائیان چارایماق که دست به مبارزه گسترده ای علیه فتودال این منطقه "فتح اله خان سرتیبی" و عاملان او زد...

شرکت های امپریالیستی و سرمایه داران جهانخوار کارگران و زحمتکشان ایرانی را تهدید به اخراج می کنند

حاکم ، امید بسیار دارند که در این نزدیکی همچون گذشته به یک تازی و چپاول کارگران و زحمتکشان بپردازند...

شرکت های امپریالیستی و سرمایه داران جهانخوار که در پی تحکیم سلطه خود در ایران هستند...

به آقای یورگی - تهران اورتیک آقای کورتیو - خرمشهر آقای برنیولی تلکس پتروول خرمشهر



آقایان محترم: با اطلاع می رساند، درباره کارکنان شما در خرمشهر اطلاعاتی رسیده که بی جهت اعتراضاتی می کنند...

نماینده کمیته در کارخانه کاشی سازی "حافظ" مزدور کار فرماست

می داند از اولین روز ورود خود به کارخانه با تشکیل شورایی در اتاقهای درست شده به همراه عده ای از عناصر نامطلوب و مشکوک که در گذشته سابق ضد کارگری داشتند...

شیراز- هر روز که می گذرد هجوم عوامل ضد انقلاب و دست نشاندهگان آن با یک عنصر ناآگاه به نهاد های اجتماعی ، موسسات علمی و فرهنگی و کارخانه ها بیشتر می شود...

کارگران کارخانه رادیوشهاب خواهان افزایش دستمزدند

چند ماه کارگران رادیو شهاب همچنان خواستار افزایش دستمزد ، ایجاد سندیکای واقعی و آزادی (۲۱ متری جی) قرار دارند و انواع رادیو ، تلویزیون ، یخچال و کولر تولید می کنند...

تهران- ۵۰۰ کارگر کارخانه رادیو شهاب مانند سایر هم زنجیران خود در ازای ساعتها کار طولانی و طاقت فرسای دستمزد بسیار کمی برخوردارند...

مبارزه کارگران شرکت ریمینکو ادامه دارد

خوزستان- کارگران پشرو شرکت پیمانکاری ریمینکو ضمن اعلام توطئه های ضد کارگری عوامل سرسپرده رژیم سابق را محکوم کرده و خواهان بازگشت کارگران اخراجی این شرکت و تحقق خواسته هایشان شدند...

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



برادران پاسدار،

هیچ می دانید چرا شما را...

بقیماز صفحه ۱

سلاحهای امپریالیستی که در دست دارند سینه چکشی را نشانه گرفته اند؟ هیچ می دانید چه کسانی را می خواهید بکشید؟ برای چه خود را به کشتن می دهید؟ هیچ می دانید چه کسی در این میان سود خواهد برد؟ هیچ می دانید چه کسی دارد خون شما و خون خلق زحمتکش کرد را به زمین می ریزد؟

ارتجاع به این دلیل کردستان را قتل گاه خلق کرد و شما برادران پاسدار ساخته که می دانند خلق دلبر و قهرمان کردیم و از همه در تمام طول تاریخ مبارزات خلقهای ایران، سکر و مظهر مقاومت و رزمندگی زحمتکشان مادر برابری و برابریان سرسبز امپریالیسم و ارتجاع بوده است. ارتجاع خوب دریافت است که به بدون سرکوب خلق کردنیهای حکومت محکم نمی شود. ارتجاع می داند تنها با درهم شکن مقاومت خلق کرد است که راه برای سرکوب خلق ترکمن و بلوچ و همریب و ترک و فارس باز خواهد شد.

ارتجاع مطبوعات آزاد را به این دلیل تا کیذ کرده جنایات فجیعی که در کردستان و سایر جاهای ایران می گذرد به گوش کسی نرسد. پاسداران آگاه باید بهتر از هر کسی دیگری بدانند که ارتجاع ابتدا، دهانهای بی بند و بوسه و اختناق را برقرار می کند تا کسی نتواند از اعمال ضد انسانی او برده برادران را و بتواند با خیال راحت و بی محابا انقلاب را به جو خوار و عذاب سوار و با کشتار مردم زحمتکش حرام خون راه بیندازد. ارتجاع خون شما پاسداران را وسیله آخیا و ترمیم ساطور قصابی کرده است. ساطوری که به پشور مردم به یادگاریهای مدت شش ماه کند و از کار افتاده شده بود. ارتجاع می خواهد شجاعی همان دزدیانی را بگیرد که در هفده شهریور امام خون به راه انداختند و صد هاتن از مردم بیگناه را کشتند. رژیم شاه هم به سر بازانی که وظیفه قصابی مردم را بر عهده داشتند...

می گفت اینها که به خیابان ریخته اند اشرار و خرابکار هستند. آنها را سرکوب کنید تا امنیت برقرار شود.

حکام جدید، دست دسته انقلابیون راستین و روشنفکران آگاه خلق را به جو خوار اعدای می سپارند آنها مایه تاراجی و ضد بشری هستند. انقلابی خود را به نمایش گذاشته اند، تاریخ مبارزات قهرمانان خلق این چنین درنده خوشی را که حاکم شرع در کردستان به راه انداخته است، در هیچ دورانی و تحت هیچ حکومتی به یاد ندارد.

برادران پاسدار!

شما، سعی دارند شما را در این جنایاتی که در تاریخ ثبت خواهد شد، شریک سازند. به این جنایات و به این شکنجه ها تن ندهید. اینها را در وحشیگری و جنایت دست نازی های آلمانی راز پشت بسته اند. به این جنایات تن ندهید.

برادران پاسدار!

شما از دامان ارتجاع و طبقات زحمتکش خلق برخاسته اید. اجازه ندهید تحت پوشش اسلام و شهادت در راه آن، ارتجاع قرون وسطایی به دست شما خون مردم زحمتکش را بر زمین ریزد. خون خود را در دفاع از یک رژیم سرمایه داری بپوشید و هدر ندهید. به شما گفته اند عده ای ضد انقلاب از قبیل پانزیران و اوپسی و امثالین در کردستان اغلال می کنند و شما باید آنها را سرکوب کنید. اما دیگر همه مردم در یافته اند که این خلق کرد است که حق خود را می طلبد. خلقی که طی بیش از نیم قرن حکومت فاسد پهلوی بیستی از همه خلقهای ایران قهر و ستم و سرکوب را متحمل شده است و چنانچه صادقانه فکر کنیم و همه تنگ نظری ها و کوته بینی ها را

به کناری نیم به گمان در خواهیم یافت که تا مین حق تعیین سرنوشت و رفع ستم مضاعفی که بر خلق کرد روا داشته شده حق مسلم خلق کرد میوزد پشتیبانی همه نیروهای مبارز و انقلابی است. اما سرجمعین به عوض بر آوردن خواسته های گدشته راه سرکوب خوین دهقانان و زحمتکشان را برگزیده اند. کردستان جزئی از خاک میهن ماست. کردستان سرزمین دشمن نیست که آن را بجا ساران کنند.

در کردستان سالهاست که سازمانهای سیاسی خلق کرد علیه ستم سرمایه داران و فئودالهای وابسته به رژیم شاه مبارزه کرده اند و در این راه شهادت داده اند. و امروز شما پاسداران را به جنگ این سازمانها فرستاده اند. ارتجاع به کثیفترین دروغها و دروغ پلانی ترین جعلیات متوسل شده است تا سازمانهای سیاسی خلق کرد را ضد انقلاب و وابسته به بیگانه معرفی کند. آنها را جنف زیادی دربار و فدائیان خلق کرد، سازمان فدائیان زحمتکشان کردستان و حزب دموکرات به هم یافته اند تا مردم کشی ها و جنایات سرکوبگرانه خود را که می خواهد به دست شما پاسداران انجام شود، موجه جلوه دهند.

از پاسدارانی که به کردستان رفته اند، آنها که مستحق حقیقت بوده اند، به خوبی دریافته اند که فدائیان، دموکراتها و اعضای سازمان زحمتکشان کردها از مردم سرزمین کردستان برخاسته اند و وابسته به افسکار مختلف خلق کردها هستند. حزب جمعی از اسلامی و سایر آزادی که در حکومت شریک شده اند تا دروغ بافی های خود می خواهند ماهیت این سازمانها را از چشم شما بپوشانند. هر یک از این سازمانها در راه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع خون داده اند و زندانها و شکنجه ها متحمل شده اند. از این نظر ضد انقلابی واقعی کسانی هستند که می خواهند این سازمانها را در ذهن شما ضد انقلابی جلوه دهند. ماه خوبی ما دینیم که بسیاری از پاسداران ساه اندیشی که تحت تاثیر تبلیغات ارتجاع قرار گرفته اند. امروزه این حرفهای با ناپاوری و تردید می نگرند اما فرادگه خلق بیدار شود، حقیقت همه آنچه که ما امروز ببینیم، بیش از پیش به اثبات خواهد رسید.

برادران پاسدار! لحظه ای فکر کنید شما را به چه راهی می کشانند؟ لحظه ای فکر کنید تا آن که شما را به کشتار مردم کرد فرستاده اند؟ از کشته شدن شما چه مقصودی دارند؟ آیا آنها بدین وسیله دارند با سرمایه داری مبارزه می کنند؟ آیا آنها در راه ایجاد یک جامعه بدون طبقه تلاش می کنند؟ همه خواهد نشان می دهد که حکومت عدلی که زمامداران جدید به مردم داده اند، همان رژیم جابرانه سرمایه داری است و سپاه پاسداران ارتش هم وسیله سرکوب هرنای حق طلبان زحمتکشان علیه این نظام نکت بار است. زمامداران جدید با استفاده از احساسات مردم تا آگاه چرخ انقلاب را متوقف ساخته و می کوشند نظام جابرانه سرمایه داری و وابسته را تحت نام جمهوری اسلامی تحکیم نمایند این همان نظام جابرانه ای است که کار و زحمت و رنج و محرومیت را نصیب میلیونها کارگر و دهقان زحمتکش می سازد و بساط محسوس و خوشگذرانی را برای مکتبی سرمایه دار مفت خور و تن پور فراهم می کند. حکومت عدلی که آنها به میلیونها مردم زحمتکش ایران و مسدود می دهند حکومتی است که در آن سرمایه داران را الوصیت حاصل دسترنج کارگران را به غارت می برد و آن را صرف ثروت اندوزی خود و از پان امپریالیست خود می کنند. حکومتی است که در آن تن پوری و خوشگذرانی از آن اقلیتی بهره کش رنج و زحمت و محرومیت از آن اکثریت زحمتکش خواهد بود. حکومتی است که تحت پوشش نام جمهوری اسلامی همان رژیم ظالمانه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را بر کارگران و زحمتکشان شهر و ده تحمیل کرده است. آنها شما را برای پاسداری از چنین نظامی به کردستان می فرستند.

نابود باد توطنهای نفاق افکنانه مرتجعین و عوامل امپریالیسم مستعجب باد صفوف هممنورهای مبارز و انقلابی مستعجب باد همکار و همگامی همه آنان که در راه آزادی و آزادی دموکراتیک مبارز می کنند پیروز باد دهنایات حق طلبان همه خلقهای ایران

بقیماز صفحه ۱

بخلق کردنشان داده است. حاکم شرع، خلخال، درمها باد کارهای می کند که نسیار تاجی مأمور حکومت نظامی و جلا داد در اصفهان انجام می داد. او ظاهراً متفرد در درمها باد و بطور کلی در کردستان ممنوع کرده، مرتبا مردم را به سرکوب بیشتر تهدید می کند و مثل سرلشکر ناجی می خواهد به زور توپ و تانک تکاند آن و با زاریان را وادار کند مغازه های خود را باز کنند. شکستن دیوار صوتی توسط هواپیماهای جمهوری اسلامی نیز تاکنون باعث کشتن بسیاری از کودکان کردستان و سقط جنین زنان شده است. اینک مردم آگاه ما و جهانیان به خوبی به علل سانسور گسترده مطبوعات و بستن دفاتر سازمانهای سیاسی پیسی بردماند. هیئت حاکمه می خواهد خبر این جنایات هولناکیز به گوش مردم نرسد. با اعتقاد ما وظیفه ما بر مردم مبارزان و همه آزادخواهان در شرایط اختناق و خفقان کنونی آن است که خبرها را به گوش همه هم میهنان برسانند و مردم را از جنایاتی که در گوشه و کنار میهن به دست ارتجاع اتفاق می افتد مطلع کنند. اینکه خلق کرد چهره و ماهیت ارتجاع را به خوبی و عمیقاً درک کرده است، دیری نخواهد پاید که همه مردم ماهیت مرتجعین را دریابند. در تهران نیز عده ای از پاسداران یک دانش آموز ۱۶ ساله هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را رسیده و او را مورد تجاوز قرار دادند. جنایتکاران او را تهدید کردند تا که در صورت افشای این عمل وی را خواهند کشت. نام دانش آموز و شرح مفصل این واقعه هم اکنون در نزد ماست. راستی آیا در شرایط کنونی دادگاهی که به شکایت این دانش آموز رسیدگی کند وجود دارد؟ مسلماً، خیر.

۶۸ تن اهالی روستای قارنا...

کردند و با زور قتل عام دهکده و بتنامی "مای لای" به دست ستوان کالسی جنایتکار امریکایی تفاوتی ندارد. چه حال همه این اعدا را به نام اسلام در کردستان مرتکب شده اند. آنها کسانی که دستور این چنین قتل عامهایی را صادر کردند، از انتقام خلق فرار خواهند کرد؟ راستی آیا این جنایات و ستم است؟ توطئه سینما رگس آمادان را بکنند و رهنمودی نیست و آیا جنایتکاران امروز یا جنایتکاران دیروز فرقی دارند؟ اعمال جنایتکارانه و ضد خلقی متجاوزین به حدی شرم آور، و وحشیانه و تنگنیک است که بدون تردید تاریخ از عاقلین روسایه و سادگان همانگونه یاد خواهد کرد که از صهیونیستها فاشیست ها و فالاتزیست ها و امثال آن.

خبر این جنایات هولناک که به دست "ارتش جمهوری اسلامی" و "مجاهدین اسلامی" انجام گرفته است اینک در همه جهان پیچیده است. اما به خاطر سانسور مطبوعات و موضع عوام فریبانه را دیو تلویزیون اکثریت مردم ما هنوز از ابعاد این فاجعه و وقایع دیگر اطلاع ندارند. همین فاجعه که بدون تردید از فحایح هولناک تاریخ است. به تنهایی کافی است تا ماهیت کسانی که به سرکوب خلق کرد پرداخته اند بیرونی برای خلعهای قهرمان ایران روشن شود. راستی آیا این اعمال وحشیانه که به دست "ارتش جمهوری اسلامی" و "مجاهدین اسلامی" انجام شده است به جنایاتی که صهیونیست ها به دستور بگین در یمنکده دیر با سین مرتکب شدند و روستا کنا، فلسطینی دهکده را قتل عام

کشاوریان و روستائیان ابرامبارز خود داده اند. چون ما خواهان خود مختاری هستیم و با کسی سرچنگ نداریم. ولی حالاکه ما چنین توطئه ای رو بر سر شما هم از خود دفاع می کنیم و تا آخرین قطره خون خود در راه آزادی خلق کرد و سایر خلقهای ایران می جنگیم.

در کردستان...

مردم سقز در مدت شش روز جنگ قهرمانانه خود خانه به خانه کوچ کرده با پاسداران و ارتشیان جنگیدند. روحیه مردم صوبان تبریز آنچنان قوی بود و ایماننان تزلزل ناپذیر که موجب شکست ارتشیان شده بود. و دهها نفر ارتشی تسلیم مردم شدند. صدای ناله و ضجه کودکان همرا با سرودهای انقلابی که صداهای پشورک مسلح کرده به هنگام جنگ با قوای دولتی سر داده بودند، صدای فانتموهای قدرتمند نیروی هوایی ایران را که خورشید آریاها با محمد رضا آواره آنها را با خون و نفت خرید، کلمات تحت انتصاع قرا داده بود. در بهارستان شهر مشهوری برپا بود. دهها کودک از صدای فانتموها که هر روز صداهای دیوار صوتی را می شکستند، شوکه شده بودند. صداهای نگرانی که غالب آنها از ارتش و پاسدار بود و روی تخت های محدود بهارستان و در راهروها افتاده بودند. رگبار مسلسل، قریوتوپ ها و غرش تانک ها و فانتموها از یک طرف و طنین آوازه های کردی و سرودهای انقلابی فضای سقز را برای ۵ روز آکنده بود. بدون عراق هیچ خبرنگاری نظیر این جنگ را ندیده بود. مردمی بیکار چه وقتی تا ۹۸ درصد درگیر جنگ با دولتی شده بودند که تا همین شام به پیش شش آن راجری حکم قرآن معرفی می کردند. دیگر از شمار (سنی و شیعه) فرقی نیه رهبر همومان چنینه عبیری نبود. من ناگهان به یاد روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن افتادم ولی باور نمی شد. مگر ارتش با مردم اعلام همبستگی نکرده بود؟؟ زنها مرتب این سوآن مسو می دودند و کیمه های شن، بطری های کوکول مولوتف، غذا (نان، پنیر، دوغ) برای بهتران می بردند، آنها شام

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگی

مردم سقز در مدت شش روز جنگ قهرمانانه خود خانه به خانه کوچ کرده با پاسداران و ارتشیان جنگیدند. روحیه مردم صوبان تبریز آنچنان قوی بود و ایماننان تزلزل ناپذیر که موجب شکست ارتشیان شده بود. و دهها نفر ارتشی تسلیم مردم شدند. صدای ناله و ضجه کودکان همرا با سرودهای انقلابی که صداهای پشورک مسلح کرده به هنگام جنگ با قوای دولتی سر داده بودند، صدای فانتموها قدرتمند نیروی هوایی ایران را که خورشید آریاها با محمد رضا آواره آنها را با خون و نفت خرید، کلمات تحت انتصاع قرا داده بود. در بهارستان شهر مشهوری برپا بود. دهها کودک از صدای فانتموها که هر روز صداهای دیوار صوتی را می شکستند، شوکه شده بودند. صداهای نگرانی که غالب آنها از ارتش و پاسدار بود و روی تخت های محدود بهارستان و در راهروها افتاده بودند. رگبار مسلسل، قریوتوپ ها و غرش تانک ها و فانتموها از یک طرف و طنین آوازه های کردی و سرودهای انقلابی فضای سقز را برای ۵ روز آکنده بود. بدون عراق هیچ خبرنگاری نظیر این جنگ را ندیده بود. مردمی بیکار چه وقتی تا ۹۸ درصد درگیر جنگ با دولتی شده بودند که تا همین شام به پیش شش آن راجری حکم قرآن معرفی می کردند. دیگر از شمار (سنی و شیعه) فرقی نیه رهبر همومان چنینه عبیری نبود. من ناگهان به یاد روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن افتادم ولی باور نمی شد. مگر ارتش با مردم اعلام همبستگی نکرده بود؟؟ زنها مرتب این سوآن مسو می دودند و کیمه های شن، بطری های کوکول مولوتف، غذا (نان، پنیر، دوغ) برای بهتران می بردند، آنها شام

۱۷ شهریور روز قهرمانی های خلق، گرامی باد

اکنون در آستانه سالگرد روزی قرار گرفته ایم که نیروی خلق قهرمان ایران پیروزانده چهره ارتجاع کثیف و پلید پهلوی را به پای خون صدها شهید خویش بر ملا ساخت. روزی که نمایشی سهمگین از زبون ویرانگر حکومت زورسرنیزه بود. روزی که نمایشی سهمگین از شکوه قدرت بی گران توده ها بود. شکوه ۱۷ شهریور «جمعه سیاه» بلوغ تاریخ پایدار و پرفروغ تابعدای خواهد ماند. ۱۷ شهریور مظهر شکست مفتضحانه کسانی است که سرنیزه به سینه خلق می نهند و در این اندیشه اند که می توانند با کلوله فریاد حق طلبانه مردم را خاموش سازند.

۱۷ شهریور درس بزرگ تاریخ است. ۱۷ شهریور درسی است که سنگساران و مترجمین هرگز قادر به آموختن آن

روز جمعه ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ ارتش سرکوبگر به دستور فرماندهان مزدور شاه جلا در تظاهرات گسترده و پرشکوهِ چهاردهم و شانزدهم شهریور بطور کلی از گسترش دامنه مبارزات خلقهای ایران به وحشت افتاده بودند. به سوی هزاران تن از مردمی که با شعار «ارتش برادر ماست» تظاهرات می کردند، آتش گشوده و صدها تن از صادقترین، مبارزترین و فدکارترین زنان و مردان مارا به شهادت رساند. جلا دران و مزدوران پس از کشتار مردم در میدان شهادت، اطراف میدان ریختند و مردمی را که در آنجا پناه گرفته بودند به رگبار بستند. مزدوران حتی به روی کسانی که برای کمک به زخمی ها اقدام می کردند آتش رگبار می گشودند. بدون تردید زبان

اینگذردن نخستین سالگرد سرکوب خونین ۱۷ شهریور، سربازان، درجه داران، همافران و افسران میهن پرستی که در طی ماهها قیام خونین مردم به مبارزه با ارتش ضد خلقی پرداختند مورد تأیید هیئت حاکمه کنونی نیستند. بر سبب انقلابی ارتش که خواستار تغییر بنیادین ارتش است امروز طرفدار ارتجاع حاکم "تقد انقلاب" خوانده شده و موافقهای اعدام سپرد می شوند.

انقلابی و حماسه آفرین خود را شومروزم نغور شاهنشاهی راه گور میگردند. خلقهای ما امروز با پشتوانه فغنی و تجارب گرانبها که از روزهای چون هفده شهریور کسب کرده اند، به غور و بسا از خطراتی که ارتش و نهادهای ضد مردمی رژیم گذشته برای جنبش دارند، آگاهند و به دلیل همین آگاهی است که به زعم همه تبلیغات و سپهر و مافریه های ای که بی شود، مردم هرگز به نهادهای رژیم گذشته، به ویژه ارتش، اعتماد نخواهند کرد. این تجارب را مردم با تبارخون دهها هزار تن از رزمندگان و شریف ترین همزمان خود به دست آوردند و آن را هرگز از خاطر نخواهند برد. زمامداری که امروز به قدرت رسیده اند می گویند در آینده نیز بیش از پیش خواهند کوشید تا خاطره قتل عام هفده شهریور دیگر کشته های نظیر آن را زنده نگه دارند. اما با تبارخون پدید آورنده ها، با تبارخون پدید آورنده ها، دستور فرماندهان مزدور به دنیا و مردم ما نشان دادند که توده های ارتش نیز به هیچ آگاهی می شوند و در برابر اطاعت و سرکوب مردم به اعتراض بر می خیزند. سرکوبگران کوردل در آن زمان پنداشته بودند که کشتار دسته های انبوهی از مردم در میدان شهادت، خلق را مرعوب و ساکت خواهد ساخت. اما دیدیم که دشمنان تا چه حد راضی نبوده و چگونه در فرادای کشتار ۱۷ شهریور حرکت سراسری و شکوهمند کارگران و زحمتکشان و در پیشاپیش آنها کارگران قهرمان صنایع نفت، پرچم مبارزات ضد امپریالیسم و ضد دیکتاتوری خلقهای ایران را برافراشته نگذاشتند و چگونه آشفته نامی که در میدان شهادت بازرگانی سازمان رژیم مغفور شاهنشاهی راه گور سپرد.

۱۷ شهریور نمونه بارزی از سفاکی و درنده خوئی ارتش است که با طاعت عیادت کورگوان، دوری از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و وابستگی به سلاح و آموزش های امپریالیسم سازمان یافته است و نیز حماسه جاودانه ای از مبارزات دلاورانه مردم زحمتکش علیه ستیزگان و استثمارگران داخلی و خارجی است.

چه کسانی را ما مورد سرکوب خلق...

خواهان دستگیری و محاکمه او شدیم. هر چند حالا با وجود نقش سرکوبگرانه ای که در کردستان به او گذار شده است بخشی از این اتهامات خود بخود فاش می گردند و دستهایی که این جنایتکاران را دوباره به ارتش بازگردانده و فرماندهی بخشهایی از ارتش را به آنها سپرده، برای عقب مانده ترین نیروها هم آشکار می شود.

در اینجا همچنین مشاهده شد یکی دیگر از سرنگان سرسپرده رژیم سابق را که در جریان حمله به شهر مهاباد و سرکوب خلق کرد نقش به معده داشت، عینانقل می کنیم. این شخص که سرنگ دوم عباس جمشیدی نام دارد، مشاهدات خود را با وقاحت تمام چنین بیان داشته است.

"ما روز پانزدهم شهریور به طرف مهاباد حرکت کردیم و در نزدیکی مهاباد به وسیله افراد مسلح کرد متوقف شدیم. ما در روز اول اقدامات در اطراف مهاباد از پشت نیروهای خود را همچنان تقویت می کردیم و برنامه را چنان تنظیم کرده مهاباد را کاملاً محاصره کرده و کلیه راههای گریز را بندیدیم و چنین نیز کردیم. تا اینکه دستور مستقیم از طرف بازرگان رسید که کار را بکشید و محور مطیبات متحرک بود. برنامه مبارزان کردن مهاباد و طرح عملیات از چند روز قبل تنظیم شده و عمدتاً تیسار فلاح و تیسار شاکر در طرح برنامه نقش اصلی را داشتند. در طرح تنظیمی شرح عملیات پیش از ظهر بیست و هفتی بود و در روز عملیات (یکشنبه ۱۱ شهریور) ۹ هواپیمای فانتوم در روی یک مثلث بسته حمله را شروع کردند. هواپیماهای یک مثلث حرکت می کردند که مهاباد در مرکز آن قرار داشت و هدف ابتدایی حمله به ارتفاعات مهاباد و روستاهای موجود در این ارتفاعات بود. مبارزان ساعتها دامنه داشت و می توان گفت که کوههای اطراف روستاهای واقع در آن محدودی بود. در ساعت شصت و شش دقیقه اولی کوچکترین می شد و کوچکترین شدن مثلث مابعد طرف شهر حرکت می کردیم و هواپیمای مهاباد همچنان به مبارزان کردن اطراف مهاباد روی حلقه ای که ساعت به ساعت تنگتر می شد ادامه می دادند. در ضمن عملیات چنان طرحی بر می شده بود که همگی به امکان نمی داد که هیچکدام از نیروهای کرد بتوانند از حلقه محاصره بگریزند و هدف معده در مرحله دوم دستگیری و بازداشت "خدا انقلابیون" بود و جلوه گیری از غرور و نیروهای کرد از حلقه محاصره. طرح مبارزان تیسار فلاح موفق شد ما پیش از کشودن جبهه ورود به شهر مهاباد، کمال تعجب مشاهده کردیم که همه افراد مسلح قبل از ظهر خارج شده و فقط معده حدودی که بیشتر زنان و مردان سنیو کردگان بودند، در شهر باقی مانده اند. با این وجود اگر حقیقتاً هواپیمای نبودند مابه هیچ وجه قادر نبودیم وارد منطقه شویم. در این عملیات مافوق یک زخمی دادیم و تلفاتی داشتیم."

در ضمن سرنگ مذکور از تیسار فلاح و شخص وی در طرح برنامه جنگی بسیار تعریف می کرد و اظهار می داشت ما سرده رژیم قبلی، در بخش طرح و تنظیم برنامه های جنگی ارتش بوده و از متختمان طرحهای جنگی رژیم گذشته زهتر برجهانیان آشکار بود و اکنون نیز به دستور اربابان امپریالیست میقتصد دارد جنبش ایران را به شکست بکشاند و نقش رضاعان دیگری را در راه خدمت به امپریالیسم بر عهده بگیرد. مادر همین شماره نمونه هایی از عینانقل او سازمان ارتجاعی امپریالیست به خلق فلسطین به چاپ رسانده ایم. علاوه بر اینها هستند دیگر عوامل سرسپرده ای از رژیم سابق و ابداً ی امپریالیسم که استفاده از مومضیت برای استفاده از تجربیات ضد خلقی شان دوباره به کار دعوت شده اند و مادر اینده به تفصیل نقش آنها را خواهیم کرد.

کوبیدن شهرها و روستاها، مبارزان های هوایی و ویران کردن خانه و کاشانه خلق ستمدیده کرد، از عهده چه کسانی ساخته است؟ برای ذرک این قضیه کافی است که به این موضوع اشاره شود که حتی تیسار فرید فرمانده سابق ارتش جمهوری اسلامی هم با وجود اینکه خود در تربیت شده ارتش رژیم گذشته بود، در این شرایط نتوانست سرکوب خلق کرد را تحمل نموده و قبل از آغاز سرکوب خلق کرد، خود را کنار کشیده و استعفا داد.

ما به منظور آگاهی خلقهای قهرمان ایران از ماهیت جنایتکارانه سردمداران سرکوبگر خلق کرد و افشای جنایات هیئت حاکمه در کردستان گذشته تنگین فرماندهان این نیروهای سرکوبگر را به اختصار شرح می دهیم.

۱- سرتیب حسین شاکر، رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی که چند روز قبل از آغاز سرکوبی خلق کرد به این ست گماشته شد، یکی از سردگان شامو عنا سرزور امپریالیسم امریکایی باشد که سالها در کشور امریکا نزد اربابان خود به تجربه اندوزی جنگهای ضد خلقی و ضد چریکی پرداخته و برای سرکوبی خلق طغیان توسط شاه جنایتکار به عمان فرستاده شده بود. سرتیب شاکر یکی از نزدیکترین دوستان شامو عنا در اعتمادترین افراد او بود که سالها در دفتر ویژه اطلاعاتی ارتش خدمت کرد. دفتر ویژه اطلاعاتی جز قسمتهای محرمانه ارتش و رابط بین شاه و دستگاه دولت بود که هم سازمان امنیت وهم رکن ۲ ارتش را زیر کنترل خود داشت.

اوپس از قیام از ارتش تسویه شده و به دستور فرعی جزو اولین سری امرای ارتش بود که از تاریخ ۳ اسفند ۵۷ باز نشسته و سپس بازداشت شد و دو ماه در زندان به سربرد. این عامل دست نشانده به خاطر جنایتی که مرتکب شده بود در زندان انتظار اعدام به سر می برد که تا کیان دست های نشانده ای او را از زندان و محاکمه رهائی داد و پس از استعفا از مقام ارتشی ارتش فراد را با شروع سرکوب خلق کرد فرماندهی عملیات سرکوب به او واگذار شد.

برای آگاهی از نقش کثیف سرتیب شاکر در سرکوبی خلق کردستان بد نیست به قسمت کردی از مصاحبه سرتیب فرید، فرمانده سابق ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی بعد از استعفاش به نقل از روزنامه انقلاب اسلامی ۷ مرداد ماه اشاره کنیم. او می گوید:

"من به هیچ وجه معتقد نبودم و نیست که ارتش را دوباره عادت به سرکوبی داخلی بدیم. نظرم این است که مسائل داخلی از قبیل وقایع اخیر غرب کشور را باید از کمره طور مسأله آمیز می توان حل کرد. اما عده ای از روحانیون و مقامات دولتی و مقامات غیر مسئول چند تهران و چند در روستاها زمین می خواستند که تحت عنوان قاطعیت به کردستان نیرو اعزام کنند و اقتضایات بیشتری به فرمانده لشکر رضایتی بدیم که خود اهل رضایتی متعلق به یکی از قبیله های است که با کرد ها به طور نسبی اختلافاتی دارد و در سخنرانی هایش نیز بارها با شدت به رهبران حزب دموکرات کردستان حمله کرده است که من با این عمل به شدت مخالفت کرده ام و این مخالفت منجر به کناره گیری من شد.

۲- سرتیب ولی فلاهی، فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی و فرمانده عملیات نظامی در سرکوب خلق کرد یکی از سرسپردگان ارتش ضد خلقی شاه سابق بود که حتی در آخرین روزهای قیام نیز از کشتار خلق ایران ابائی نداشت سرتیب فلاهی در روزهای قیام شکوهمند خلق ایران دستور کشتار صدها تن از مبارزین و اعتمادیگران مردم شیراز را صادر کرد که در نتیجه آن دهها نفر از مردم شیراز به شهادت رسیدند. پس از قیام هادی دادستان انقلاب تحت فشار توده ها دستور بازداشت و محاکمه او را نیز صادر کرد. با وجود آنکه این دستور چند بار تکرار شد، چرا و چه دلیلان از بازداشت این جنایتکار منحرف شدند و او را در یکی از حساسترین پست های ارتش ابقا نمودند؟ ما نیز در روزنامه کارباز در این اسناد افشای جنایت های این شخص بارها

وفادار به مردم بود توصیف و تعریف قرار می گیرند. اینک در نخستین سالگرد سرکوب خونین هفده شهریور، هیئت حاکمه کنونی به خواستهای برحق خلق کرد، چون گذشته مارک "تجزیه طلبی" می زند و به جای پذیرفتن راه حل سیاسی فرمان کشتار مردم کردستان و انقلابیونیکه از منافع زحمتکشان کرد دفاع می کنند، می دهد. شهرهای مبارزان می شود و از زمین و هوا اجتماعات بارگبار مسلسل به خون کشیده می شود. و هفده شهریورهای تازه ای می آفریند.

اینگذردن نخستین سالگرد سرکوب خونین ۱۷ شهریور هم آرزوهای که مردم به خاطر آن جنگیده اند، یکی پس از دیگری نابود می شود. شهرهای مبارزان می شود و از زمین و هوا اجتماعات بارگبار مسلسل به خون کشیده می شود. و هفده شهریورهای تازه ای می آفریند.

مردم زحمتکش. هفده شهریور مهمتر از هر چیز بیانگر این واقعیت بسیار مهم در تاریخ پرافتخار خلق ماست، که خلقهای به با خاسته را هرگز نمی توان با توب، تانک و مسلسل به زانو در آورد و زانو زور در برابر اراده خلل ناپذیر خلقها و در برابر حرکت درنگ ناپذیر تاریخ زبون و در مانده است رژیم با کشتار دسته جمعی مردم در میدان شهادت کوشید مردم مبارز را مرعوب ساخته و بدینسان از سقوط حسی خود جلوگیری کند، اما از فردای هفده شهریور، مبارزات قهرمانانه و بیگارچه خلقهای ما و تازه ای به خود گرفت و مردم در یافتند که قهرضد انقلابی را تنها با قهر انقلابی می توان پاسخ داد و به همانگونه نیز مردم سرانجام با قهر

انقلابی و حماسه آفرین خود را شومروزم نغور شاهنشاهی راه گور میگردند. خلقهای ما امروز با پشتوانه فغنی و تجارب گرانبها که از روزهای چون هفده شهریور کسب کرده اند، به غور و بسا از خطراتی که ارتش و نهادهای ضد مردمی رژیم گذشته برای جنبش دارند، آگاهند و به دلیل همین آگاهی است که به زعم همه تبلیغات و سپهر و مافریه های ای که بی شود، مردم هرگز به نهادهای رژیم گذشته، به ویژه ارتش، اعتماد نخواهند کرد. این تجارب را مردم با تبارخون دهها هزار تن از رزمندگان و شریف ترین همزمان خود به دست آوردند و آن را هرگز از خاطر نخواهند برد. زمامداری که امروز به قدرت رسیده اند می گویند در آینده نیز بیش از پیش خواهند کوشید تا خاطره قتل عام هفده شهریور دیگر کشته های نظیر آن را زنده نگه دارند. اما با تبارخون پدید آورنده ها، با تبارخون پدید آورنده ها، دستور فرماندهان مزدور به دنیا و مردم ما نشان دادند که توده های ارتش نیز به هیچ آگاهی می شوند و در برابر اطاعت و سرکوب مردم به اعتراض بر می خیزند. سرکوبگران کوردل در آن زمان پنداشته بودند که کشتار دسته های انبوهی از مردم در میدان شهادت، خلق را مرعوب و ساکت خواهد ساخت. اما دیدیم که دشمنان تا چه حد راضی نبوده و چگونه در فرادای کشتار ۱۷ شهریور حرکت سراسری و شکوهمند کارگران و زحمتکشان و در پیشاپیش آنها کارگران قهرمان صنایع نفت، پرچم مبارزات ضد امپریالیسم و ضد دیکتاتوری خلقهای ایران را برافراشته نگذاشتند و چگونه آشفته نامی که در میدان شهادت بازرگانی سازمان رژیم مغفور شاهنشاهی راه گور سپرد.

۱۷ شهریور نمونه بارزی از سفاکی و درنده خوئی ارتش است که با طاعت عیادت کورگوان، دوری از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و وابستگی به سلاح و آموزش های امپریالیسم سازمان یافته است و نیز حماسه جاودانه ای از مبارزات دلاورانه مردم زحمتکش علیه ستیزگان و استثمارگران داخلی و خارجی است.

۳- مصطفی چمران که رهبری بخش دیگری از نیروهای سرکوبگر را در منطقه کردستان به عهده گرفته است، یکی از اعمال سازمان ارتجاعی اصل می باشد که خبانتیهای در فاجعه تسل زهتر برجهانیان آشکار بود و اکنون نیز به دستور اربابان امپریالیست میقتصد دارد جنبش ایران را به شکست بکشاند و نقش رضاعان دیگری را در راه خدمت به امپریالیسم بر عهده بگیرد. مادر همین شماره نمونه هایی از عینانقل او سازمان ارتجاعی امپریالیست به خلق فلسطین به چاپ رسانده ایم. علاوه بر اینها هستند دیگر عوامل سرسپرده ای از رژیم سابق و ابداً ی امپریالیسم که استفاده از مومضیت برای استفاده از تجربیات ضد خلقی شان دوباره به کار دعوت شده اند و مادر اینده به تفصیل نقش آنها را خواهیم کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۱۷ شهریور ۵۸

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر